

موانع تحقق اقتصاد مقاومتی*

□ محمد حسین پژوهنده^۱

چکیده

در تقابل با سیاست‌های خصمانه غرب تنها راه حفظ عزت و کرامت ما، رویکرد اقتصاد مقاومتی است؛ که به جز وسوسه خناسان، وجود مفاسد در چهره‌های مختلف مانع مهم پیش‌روی تحقق آن می‌باشد. نویسنده در این نوشتار کوشیده است، در حد امکان آسیب‌هایی که از این ناحیه متوجه مقصود می‌شود را همراه با راهکارهای عملی ارائه نماید. نوشته حاضر که به شیوه توصیفی و روش کتابخانه‌ای یا آرشیوی یا اسنادی و در مایه بنیادی یا راهبردی بحث می‌کند، شامل مقدمه و سه بخش عمده می‌باشد:

مقدمه با تعریف برخی مفاهیم که در طول بحث مورد استفاده واقع می‌شوند آغاز و در ادامه تبعات کلی فساد و ارائه راهبردهایی برای نهادینه کردن فرهنگ مقاومت را مد نظر قرار می‌دهد.

بخش اول، به مفاسد اقتصادی و رابطه‌اش با اقتصاد مقاومتی و چگونگی تهدید آن توجه دارد.

بخش دوم، مفاسد اداری - سیاسی را مورد کنکاش قرار می‌دهد: آفات و

تبعات آن، بسترها و زمینه‌ها و مایه‌های آن، و گونه‌هایی از آن و ارائه یک راهبرد. وی در این بخش علت کم توجهی مسئولان را در برخورد با فساد مورد نقد و تحلیل قرار می‌دهد.

بخش سوم، به سایر شاخه‌های فساد همچون علمی، فرهنگی، هنری و معرفتی می‌پردازد. نویسنده در این بخش هنجارشکنی در عرصه اخلاق اجتماعی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

وی در پایان با ارائه یک راهبرد اخلاقی و نتیجه‌گیری بحث خود را به پایان می‌برد.

واژگان کلیدی: فساد، اقتصاد مقاومتی، نظام اسلامی، جنگ نرم.

مقدمه - طرح بحث

چنان که بر کسی پوشیده نیست قدرت‌های استکباری در جریان چالش با نظام اسلامی ایران، سعی در تضعیف، منزوی ساختن و از پا انداختن اقتصاد آن از طریق مبادلات خارجی دارند تا بدین وسیله روح توانمند نظام مقدس اسلامی را از کالبد آن خارج نمایند و با دمیدن روح شیطانی خود، آن را به ناکجاآباد بی‌هویتی سوق دهند؛ از این روی باید با اتخاذ تدابیر مناسب بتوانیم بر این چالش فایق آییم.

پیش فرض پژوهش ما پس از مطالعات مقدماتی این است، که اقتصاد مقاومتی در چنین وضعیتی می‌تواند تا حدود زیادی تحریم‌ها را خنثی کرد و آسیب‌های اقتصادی ناشی از آن را کاهش داده اقتصاد ایران را شکوفا و در برابر فشارها مقاوم سازد. با این حال نباید از عوامل خنثی‌گر غافل ماند؛ زیرا بنا به توصیه گذشتگان، رخنه‌ای اندک می‌تواند سد عظیمی را ویران سازد؛ از این رو بایستی این عوامل ریشه‌یابی شوند. در این رابطه چنان به نظر می‌رسد که از جمله عوامل بسیار مؤثر در ناکارآمدی طرح‌های اقتصاد مقاومتی مفاسدی است که بنا به هر دلیلی در عرصه‌های اداری - سیاسی، اقتصادی، و حتی به طور غیر مستقیم در زمینه‌های علمی - معرفتی، فرهنگی - هنری و اجتماعی روی می‌دهد. با این حال، مبارزه با فساد، بستگی به شناخت دقیق عوامل مختلف و

ریشه‌های آن دارد. در این حوزه پژوهش‌های مختلفی در چند دهه اخیر صورت گرفته است؛ که در آنها صورت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فساد مورد بررسی قرار گرفته‌اند و بسیاری از این تحقیقات فرهنگ را به عنوان اساسی‌ترین بستر ایجاد فساد نشان داده‌اند. در این بخش نیز سعی بر آن شده تا بررسی همه جانبه‌ای با جانمایه فرهنگی صورت پذیرد؛ از این روی پیش از ورود به اصل بحث، اشاره مختصری به موضوع اقتصاد مقاومتی و مسأله فساد داریم، آن گاه به نقش مفاسد در ناکارآمدی اهداف اقتصاد مقاومتی می‌پردازیم.

الف - اقتصاد مقاومتی^۱

تعریف اقتصاد مقاومتی

ضرورت تعریف از آنجا نشأت می‌گیرد که اغلب این موضوع با «اقتصاد ریاضتی» اشتباه گرفته می‌شود.

این موضوع چنان که از قید اضافی مقاومت پیداست، از مقوله دفاع در کشمکش‌های اقتصادی می‌باشد و چنانچه نویسندگان ویکی پدیا اظهار می‌دارند: «روشی است برای مقابله با تحریم‌ها علیه یک منطقه یا کشور تحریم شده، در شرایطی که صادرات و واردات هیچ کدام برای آن کشور مجاز نمی‌باشد»^۲.

در اقتصاد مقاومتی اولویت نخست تحلیل نقطه‌های فشار است؛ یعنی بررسی کنیم قدرت خارجی در استفاده از حربه تحریم روی چه مسائلی حساسیت دارد؟ به طور کلی آنها نقاط ضعف و نشانه وابستگی ما به بیگانگان بوده که دشمن شناسایی کرده است، که ما باید روی آنها تمرکز کنیم تا از این طریق ضعف‌ها را به قوت، و تهدیدها را به فرصت تبدیل کنیم.

بنابر این در رأس هرم سیاست اقتصاد مقاومتی، تشخیص حوزه‌های فشار و تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آنها می‌باشد؛ و ما برای رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی، باید وابستگی‌های خود را با تأکید بر تولید داخلی و تلاش برای خوداتکایی، به تدریج کاهش دهیم تا در نهایت به نقطه صفر برسد. همچنین

«مهم‌ترین شیوه‌ ابزاری در اقتصاد مقاومتی و مقابله با کارتل‌ها و دلالان اقتصادی دشمن، مردمی کردن اقتصاد، مصرف و خرید تولیدات داخلی به وسیله مردم است، زیرا رونق تولید و سرمایه‌گذاری در گرو استقبال آنها از تولیدات داخلی است.»^۳

در ضمن به این نکته باید توجه داشته باشیم که اگر نتوانیم زمینه‌های سرمایه‌گذاری مطمئن را در کشور فراهم آوریم، نه تنها نسبت به جذب سرمایه‌گذاران خارجی ناتوان خواهیم بود، که سرمایه‌گذاران داخلی را نیز از دست خواهیم داد (راغفر، ۱۳۹۲).^۴

هدف از اقتصاد مقاومتی چیست؟

هدف در اقتصاد مقاومتی استفاده از توان داخلی و مقاومت در مقابل تحریم‌ها با ایجاد کم‌ترین بحران است. به تعبیر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام اقتصاد مقاومتی برای کشور، در هر شرایطی اعم از تحریم یا غیر تحریم ضروری است، و این به معنای آن است که بنیان اقتصادی کشور باید به گونه‌ای سامان‌دهی شود که تکانه‌های جهانی در آن اثرگذار نباشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۳).

بر این اساس، مقاومت برای رد کردن فشارها و عبور از سختی‌ها برای رسیدن به نقاط مثبت ملی، شرط لازم تحقق اقتصاد مقاومتی است.

با این توصیف‌ها نظر به مفاد عنوانی که برای این نوشتار انتخاب شده، بحث ما در ارتباط با موضوعی است که با سوژه اصلی مرتبط می‌باشد و آن عبارت از عوامل بازدارنده و یا خنثی‌کننده آن است؛ که در این نوشتار به دلیل تنگی مجال، اشاره کوتاهی به یکی از مسائل ریشه‌ای مرتبط با موضوع، یعنی مفاسد خواهیم داشت.

دو راهبرد در جهت نهادینه شدن فرهنگ اقتصاد مقاومتی

یک - رویکرد به سیاست‌های اضطراری زود بازده

﴿۱۸۹﴾

به طور معمول رابطهٔ فساد، با فقر و تنگدستی به صورت نسبت عموم مطلق ارزیابی می‌شود. یعنی اغلب توأم با یکدیگر هستند؛ هر چند که نظیر چنین رابطه‌ای میان غنا و فساد (از نوع اتراف) نیز وجود دارد، اما متغیر فقر و فساد از شمول و فراگیری فزون‌تری برخوردار است.

برای یافتن راهکار برون رفت از بن‌بست فساد که جامعه را فرا گرفته باشد، می‌توان به دو شکل عملیاتی اقدام نمود؛ با توجه به ارزیابی فعلی نسبت به اهداف ایدئولوژیک غرب و اهداف بلند و مکتبی نظام جمهوری اسلامی ایران، اتخاذ سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی کوتاه‌مدت، به تنهایی و بدون دنبال کردن هدف درازمدت نتیجه بخش نمی‌باشد.

این دو شکل عبارتند از:

۱. کوتاه‌مدت، به صورت تاکتیک اضطراری؛

۲. درازمدت، به صورت راهبردی (استراتژیک).

در کوتاه مدت اتخاذ سیاست‌های اقتصادی و آموزشی در خصوص تعامل با داخل و خارج چنان که در این نوشته به آن اشاره شده است به طور موقت کارگر واقع می‌شود.

در ارتباط با اتخاذ سیاست‌های راهبردی می‌توان به مواردی اشاره کرد که در بیان رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام آمده است: قطع وابستگی بودجهٔ کشور به درآمد نفت؛ تأکید بر اجرای سیاست‌های اصل ۴۴؛ تکیه بر درآمد حاصل از مالیات تولید و تجارت؛ برنامه‌ریزی مناسب برای استفادهٔ حداکثری از ظرفیت‌ها و منابع داخلی؛ ارتقاء بهره‌وری به معنای کاهش هزینهٔ تولید و بالا بردن کیفیت؛ استفاده از تولیدات داخلی و تحریم کالاهای اروپایی؛ لزوم پرهیز از اسراف؛ جلوگیری از تضييع منابع عمومی؛ تکیه بر شرکت‌های دانش بنیان؛

مبارزه جدی با قاچاق؛ همچنین به کارگیری تاکتیک مقابله به مثل چنان که معظم له بدان اشاره نمود: «اگر بنا بر تحریم باشد، ملت ایران هم می تواند تحریم کند و این کار را خواهد کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳)۵.

ملاحظه

مقام معظم رهبری علیه السلام اگر چه در مقام مقابله به مثل به حربۀ اقتصادی گاز اشاره نمودند، اما ملت ایران به جز استفاده از این حربه می تواند به بهترین وجه از ساده ترین شکل تحریم استفاده نماید و آن تحریم خرید کالاهای تولید استکبار جهانی و هم پیمانان او است. این امر علاوه بر نتیجه بخشی در جهت هدف، باعث روی آوردن به تولید داخل می شود و در نتیجه ملت را به تکنولوژی برتر نایل می سازد که همراه با این مزیت، موجب کاهش قیمت ها نسبت به تولیدات خارجی نیز می گردد. در واقع همان راهی پیش روی ملت ما نهاده خواهد شد که موجب رشد و پیشرفت ژاپن، چین، کره و... گردید. و برآستی که: عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد!

دو - فرهنگ سازی اقتصاد مقاومتی

در درازمدت تنها کاری که نتیجه بخش است و برای همیشه خوشبختی ملت را تأمین می کند فرهنگ سازی است؛ اما به چه معنا و چگونه؟ زیرا فرهنگ امر واحد و بسیطی نیست که همه اقدامات روی آن متمرکز شود.

در ارتباط با تعریف و دامنه شمول مفهوم فرهنگ نظرات فراوانی ارائه شده، که عموم آنها به فصل الخطابی بازمی گردند که توسط ادوارد بانن تایلور^۶ (مردم شناس انگلیسی قرن هجده) ارائه شده است.

فرهنگ - به مفهوم قوم نگاری عام خود - چنان که او می گوید: «مجموعه پیچیده ای است مشتمل بر معارف، اعتقادات، هنر، حقوق، اخلاق، رسوم و تمامی توانایی ها و عاداتی که بشر به عنوان عضوی از جامعه اخذ می نماید» (روشه،

۱۳۶۷، صص ۱۱۷۸).

﴿۱۹۱﴾

تعریفی که تایلور از فرهنگ ارائه داده، اگرچه تعریفی ماهوی نیست، اما شامل تمامی قلمرو آن و مورد قبول جامعه‌شناسان و سایرین است (پژوهنده، ۱۳۷۴).

در همین راستا عده‌ای از اندیشه‌وران ضمن تعریف فرهنگ به عنوان تمامی دستاوردهای مادی و معنوی انسان، کاوش گرانه‌تر با آن برخورد کرده، آن را آرایش پندارها، نمادها، گفتمان‌ها، ارزش‌ها، نهادها، سلسله مراتب، الگوهای رفتاری و ابزار و ادواتی دانسته‌اند که توسط انسان و از طریق دگرگون کردن طبیعت و جامعه در راه برآورده کردن نیازهای تاریخی او خلق شده یا می‌شود (عضدانلو، ۱۳۷۳، ص ۴۸).

تولید فرهنگ جانشین، کار بزرگی است و دامنه گسترده‌ای دارد که حوزه اقتصاد، تنها یکی از زیرمجموعه‌های آن است.

بنا بر این، اقدام به چنین امری نیازمند عزم ملی و پیش از آن نیازمند یک هیأت سیاست‌گذاری مرکب از همه حوزه‌های ذیربط می‌باشد، تا در هر زمینه راه کارهای مناسب به دست آمده و به صورت منشور ابلاغ و بدان عمل شود. بدیهی است بدون در اختیار گرفتن منظومه کاربردی متناسبی که تمامی اجزای آن متناظر با هم و نسبت به یکدیگر پاسخ‌گو باشند، کاری در جهت فرهنگ‌سازی از پیش برده نخواهد شد.

ب - مفساد

ملاحظه و تأمل

کاربرد فساد در متون دینی

مفهوم کلمه فساد از نظر لغوی مرادف با خلاف صلاح است^۷؛ با این حال طبیعی است که عنوان فساد و فاسد به مقتضای طبع هر چیزی بر آن اطلاق می‌شود، به عنوان مثال فاسد شدن خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و ادویه‌جات غیر از فساد اخلاقی

است و فساد اخلاقی نیز غیر از فساد اداری، اقتصادی و سیاسی است.

برای این که با معنای فساد در عرف دینی آشنا شویم، لازم است به قرآن کریم و متون دینی مراجعه کنیم تا با ملاحظه موارد کاربرد آن به معنای آن پی ببریم. اکنون به عنوان نمونه چند مورد را مرور می‌کنیم:

- مقابل اصلاح:

﴿الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ﴾ (شعراء/۱۵۲)؛ یعنی آنان که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند.

﴿وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ﴾ (نمل/۴۸).
در این آیه خداوند از تعداد نه گروه خبر می‌دهد، که کارشان افساد بوده و اصلاح نمی‌کرده‌اند.

﴿إِلَّا تَقْلُوبُهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ﴾ (انفال/۷۳).

در این آیه در ارتباط با وظیفه تولی و هم‌پیمانی با مؤمنان و تبری از کفار و مشرکان می‌گوید: اگر این کار را نکردید آشوبی در زمین به راه می‌افتد و فساد بسیار بزرگی.

- غارت و کشتار و هرج و مرج:

﴿قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا﴾ (کهف/۹۴).

مضمون آیه این است، که مردمانی که ذوالقرنین از آنها بازدید کرده به او می‌گویند اقوام یا جوج و مأجوج هر از گاهی بر ما می‌تازند و فساد به راه می‌اندازند، اکنون ما از تو می‌خواهیم که با هزینه ما سدی در میانه ما ایجاد کنی.

- ویرانی و بهم‌ریزی نظام:

﴿قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً﴾

(نمل/۳۴)؛ بلقیس پادشاه سبأ به مشاورانش می‌گوید: شاهان وقتی بر آبادی دیگری وارد می‌شوند آن را تباه می‌کنند و بزرگان را خوار می‌کنند.

همچنین مفهوم نقش برآب شدن و بی اثر شدن تدبیر و سیاست‌ها را افاده می‌کند چنان که امام علی علیه السلام در رابطه با تباه شدن تدبیرهای حکومتی خویش در اثر فرمان ناپذیری مردم، فرموده است:

«با نافرمانی و ذلت‌پذیری رأی و تدبیر مرا تباه کردید» (امام علی، ۱۳۹۵ق، ص ۷۰، خ ۲۷).

- نقطه مقابل احسان:

﴿وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ﴾ (قصص/۷۷)؛
نیکی کن چنان که خدا به تو نیکی کرده است و راه فساد را در زمین مپوی.
- عصیان و طغیان اجتماعی:

﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ..﴾
(مائده/۳۳)؛ جز این نیست که مجازات آنان که با خدا و رسولش به جنگ می‌پردازند و در زمین به امر فساد می‌کوشند این است که ...
همچنین در معنای یاغی‌گری و ایستادن در برابر اراده حق نیز به کار رفته است:

﴿وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾ (بقره/۲۰۵).

این آیه نیز در ارتباط با قبول آنی نصایح الهی و روی گردانی بعدی از آنها می‌گوید: وقتی پشت می‌کند برود، تلاش می‌کند تا در زمین فساد کند و کشت و نسل را نابود سازد و خدا فساد را دوست ندارد.

چنان که در این رابطه به نوعی عصیان علیه نظام فاسد برمی‌خوریم که از دید حاکمان آن، به عنوان فساد بدان نگرسته می‌شود:

﴿أَتَذَرُ مُوسَى وَ قَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ يَذُرَكَ وَ آلِهَتِكَ قَالَ سَنُقْتِلُ أَبْنَاءَهُمْ وَ نَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَ إِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ﴾ (اعراف/۱۲۷).

در این آیه اشراف مصر به فرعون می‌گویند: آیا موسی و اتباعش را

وامی گذاری تا در زمین فساد کنند و تو و خدایانت را رها کنند؟ گفت: به همین زودی پسران شان را می کشیم و زنان شان زنده می گذاریم و ما بر آنها برتری داریم. چنان که می بینیم تشریح دین الهی و انقلاب علیه نظام طاغوتی فرعونی از دید کارشناسان مصری فساد نامیده شده است.

با عنایت به این چند مورد، می بینیم در تمامی این ها ماده لغوی فساد به طور مشخص در موارد رفتاری (فردی یا اجتماعی) و در ارتباط با تخریب و تباه کاری و ضایع نمودن و قتل و آشوب و مسائل ضد مصالح مردم قرار دارد.

امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز قریب به مضمون اخیر فرموده است: «آگاه باشید شما در سرکشی و ستم زیاده روی کردید و در زمین در دشمنی با خداوند فساد به راه انداختید و آشکارا با بندگان خدا به نبرد پرداختید» (امام علی، ۱۳۹۵ق، ص ۲۸۹، خ ۱۹۲).

بنابر این به طور کلی می توانیم چنین برداشت کنیم که فساد به معنای تضییع حق حکومت و مردم، و شنا در جامعه به خلاف جهت جریان آب، و اقدام به خلاف اراده و مصالح جامعه است. البته آنچه در فساد فردی هم سرایت به جامعه کند از همین باب محکوم است.

بازخورد فساد در سنت الهی

خداوند در قرآن مجید به عنوان بیان یک قانون در نظام آفرینش می فرماید: «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا» (اسراء/۱۶)؛ یعنی هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای «مرفهان» (و ثروت مندان مست شهوت) می خوانیم، سپس هنگامی که به فسق و فساد پرداختند و حجت بر آنها تمام و قطعی شد، آنها را به شدت نابود می کنیم. مفسرین در توضیح علت ضمیر متکلم مع الغیر در نسبت به خدا می گویند: این در جایی است که تحقق اراده حق تعالی منوط به

اسباب و علل طبیعی باشد؛ به عبارتی در رابطه با قوانین آفرینش باشد. مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله علیه در تفسیر شریف المیزان متعرض این موضوع گردیده و می گوید:

«تعبیر به (ما) خالی از اشعار به این معنا نیست که در این بین غیر از خدای سبحان اسباب الهی نیز در کارند که به امر او عمل نموده و همه به خدای سبحان منتهی می شوند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۰۱) همچنین محققان حوزه علمیه قم نیز در تفسیر نمونه قریب به همین مضمون را اظهار داشته اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۷، ص ۲۷۷).

بنابر این استنباطی که از دلالت این وافی هدایه می کنیم این است که لازمه فساد (هر نوعش) نابودی و انحطاط تمدن و سقوط از درجه اعتبار (فردی و اجتماعی) است.

موضوع فساد^۱ (از هر نوع آن) به دلیل ناکارآمد نمودن نهادهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه و ایجاد انحراف کارکردی در آنها، باعث وارد آمدن دو نوع آسیب داخلی و خارجی است:

الف - نظم و امنیت ملی و اجتماعی را با چالشی عمیق مواجه می سازد (دادگر، ۱۳۸۸، ص ۱۲۰). از این روی می بینیم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف شده است به: «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی» (قانون اساسی، اصل ۳، بند ۱)؛ این مشروع برگرفته از روح اسلامی است که فسادزایی را وظیفه حکومت دانسته است. چنان که می بینیم امیر المؤمنین علی علیه السلام در خطبه معروف به قاصعه، موضوع فسادزایی و مبارزه با مفسدین را در برنامه حکومتی خود به عنوان یک وظیفه الهی دانسته و فرموده است:

«خداوند به من امر فرموده تا به همان گونه که با متجاوزان و یاغیان مبارزه می کنم با مفسدان مبارزه کنم» (امام علی، ۱۳۹۵ق، ص ۲۹۹، خ ۱۹۲).

از این روی در منشور حکومتی مالک اشتر به وی توصیه می‌فرماید که: «رفتار کارگزارانت را بررسی کن و مراقبانی صادق و باوفا بر آنان بگمار، که مراقبت نهانی تو سبب امانت‌داری و تکریم ارباب رجوع خواهد شد» (امام علی، ۱۳۹۵ق، ص ۴۳۵، ن ۵۳)؛ و این امر مستلزم آن است که نظارت و مراقبت از کارها به گونه‌ی کاملاً سری، توسط افراد کاردان و لایق انجام گیرد تا از بروز خطا و فساد جلوگیری شود.

ب - غلبه فساد در اجتماع، موجب وارفتگی ملی و سلطه‌ی اجنبی است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در توییح کوفیان، مردم شام را به رخ آنان می‌کشد و می‌گوید به زودی آنان بر شما غلبه می‌کنند؛ امام علی علیه السلام در این بیان شریف، عامل غلبه آنها را صلاح‌شان، و دلیل مغلوبیت اینان را فساد اجتماعی‌شان می‌داند و این، بدان معناست که آنچه یک ملت بزرگ و مطرح را تحت سلطه‌ی دشمن درمی‌آورد، نقطه‌ی مقابل صلاح یعنی فساد است (امام علی، ۱۳۹۵ق، ص ۶۷، خ ۲۵).

تأملی در مفهوم فساد

چنان که می‌دانیم فساد به معنای تباهی و لازمه‌ی آن نیز تباه شدن است؛ که در سطح عمومی شامل تمام آن چیزهایی می‌شود که انسان آن را به عنوان ارزش (مادی و غیرمادی) کسب کرده است. با این حال، هر نوع از فساد - به شخصه - پیامدها و بازخوردهای ویژه‌ای دارد که در این نوشتار به پاره‌ای از آنها اشاره خواهد شد؛ اما در ارتباط با بعضی از مصادیق فساد رایج در گروه‌های انسانی، که به نوعی خرق سنت دینی تلقی می‌شوند، از قبیل تبدیل چادر به نوع دیگر پوشش و یا رفتارهایی مانند دوچرخه و موتورسواری و یا پوشیدن مدل‌های مهیج البسه، آرایش، بیرون گذاشتن بخشی از موی سر و... مسأله‌ای که پیش می‌آید این است که پس از شیوع و فرهنگ شدن در جامعه‌ای، آیا مصداق فساد هستند یا خیر؟ در این خصوص دو دیدگاه وجود دارد:

اول مناط مفسده را از حاق معنای آن بکشیم یعنی کار، عادت و چیزی که موجب تباهی روابط و یا تباهی اخلاق فردی و اجتماعی و یا تباهی نعمات الهی شود. اکنون اگر در این عملی که شیوع یافته است آن تباهی موجود باشد، بدون تردید حکم به فساد آن می‌کنیم؛ اما اگر تباهی وجود نداشته باشد مثل این که یک زن با متانت و پوشش مقبولی سوار بر دوچرخه یا موتور به دنبال کار خود باشد، در این صورت بعید است در صورت نداشتن آثار تباهی، حکم به ترتب فساد بر آن بکنیم و آن عمل را مفسده‌انگیز بدانیم؛ مگر این که از جهات دیگری باعث هدم ارزش الهی شده باشد.

دوم مفسده را براساس گرده‌برداری - نسخه‌برداری خشک از سنت اسلاف بشناسیم و کاری به مناط حکم و دلیل وضع آن نداشته باشیم که در این صورت، مسأله دشوار می‌شود. این روش استنباط حکم دینی که مورد استفاده سلفی‌های مسلمان است معایبی دارد که در جای خود بحث شده است.^۹

سیره علمای شیعه امامیه اما قدیما و حدیثاً با این سبک استنباط، میانه‌ای نداشته و همواره در پی علت حکم بوده‌اند؛ زیرا ارجاع به علت را که مصلحت و مفسده باشد، امامان معصوم علیهم‌السلام توصیه نموده‌اند و شیخ صدوق رحمته‌الله کتابی به همین نام *علل الشرایع* حاوی روایات اهل بیت علیهم‌السلام تألیف نموده است و مراجع عالی‌مقام امروز ما نیز در بیان حکم به وجود یا نبود مفسده اشاره می‌کنند. بر این اساس روش و شیوه نخست در تشخیص مفسده و فساد مقبول‌تر به نظر می‌آید، اما تنها معضلی که وجود خواهد داشت به دست آوردن شناخت مورد اتفاقی از فساد و تباهی است.

نگرشی به منابع فسادزا

آموزه معروف: «قدرت، فساد می‌آورد و قدرت مطلق، فساد مطلق»؛ مطلبی است که حکما و فیلسوفان در طول قرن‌های گذشته در باب آن سخن‌ها گفته‌اند.

قرآن در یک جمله منشأ همه فسادها و طغیان‌ها را استغنا می‌داند:
 ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكَيْفَى أَنْ رَأَهُ اسْتَعْنَى﴾ (علق/۷)؛ یعنی نه چنین است. به
 راستی انسان همین که خود را بی‌نیاز بیند، به طور قطع طغیان می‌کند.
 و در جایی دیگر به منشأ غریزی آن یعنی داشتن تمایلات مادی اشاره
 می‌نماید:

﴿زَيْنَ النَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ
 وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ
 حُسْنُ الْمَآبِ﴾ (آل عمران/۱۴).

معنی آیه این است که کشش غریزی به زن و فرزندان و گنجینه‌های آکنده از
 طلا و نقره، اسبان نشان‌دار و چارپایان و کشتزار برای انسان آراسته شده است.
 این‌ها بهره زندگی دنیا هستند و خداوند نزد او نیکو جایگاه است؛ که در جمله
 آخر تعدیلی در کشش‌های غریزی انسان با توجه دادن او به بهترین جایگاه
 ملکوتی الهی به وجود می‌آورد؛ ولی نه خشکانیدن ریشه آنها زیرا این‌ها از سویی
 دیگر برای ورزیده شدن و تکامل روحی انسان ضرورت دارند؛ چنان که در این
 رابطه قرآن گفته است:

﴿إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ (تغابن/۱۵)، یعنی جز این
 نیست که ثروت‌ها و فرزندان‌تان به مثابه فتنه (آزمایش) اند و خداوند پاداش بسیار
 بزرگی نزد او است.

برداشتی که ما از این گزاره‌ها می‌کنیم این است که این‌ها ماده‌های قدرت و
 انرژی هستند تا در راه بهینه کمال از آنها طبق دستور استفاده شود، بنابراین این
 طبیعی است که استفاده غیر معقول (نابجا و یا بی‌حد و اندازه) در جهت خلاف
 مقصود نتیجه می‌دهد.

با این حال واقعیت این است که در شرایط موجود که نه کنترلی از درون بر
 غریزه‌هاست، و نه عناصر کنترلی برونی در حد لازم توان کنترل دارند، این

نیروها و ماده‌های انرژی حامل بار منفی بوده و اغلب، منشأ فسادند؛ که به برخی از آنها در زیر اشاره می‌شود:

﴿۱۹۹﴾

شهرت (هنری، علمی، فنی، سیاسی، زیبایی، روحانی و...)، قدرت جسمانی، قدرت مالی (ثروت)، قدرت سیاسی، قدرت علمی - فنی، قدرت معنوی، قدرت اطلاعاتی، قدرت اجتماعی و... در عین نعمت بودن می‌توانند فسادآفرین نیز باشند. حتی از دید اخلاقی، تقوا و زهد و معنویت اگر از حیطة کنترل درونی بیرون روند موجب هلاک صاحب خود می‌شوند **إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ** (اما بحث از این‌ها نداریم).

استاد شهید علامه مرتضی مطهری رحمته الله علیه در کتاب توحید بحثی در رابطه با مسأله شر دارد که متعرض همین نکات می‌شود وی می‌گوید:

«ما سلامت، قدرت، ثروت، امنیت را می‌گوییم خوبی، خوبی هم هست ولی همین‌ها را اگر از نظر عوارضی که بعد به وجود می‌آورند نگاه کنیم، می‌بینیم که چندان خوب نیستند. معمولاً - البته کلیت ندارد - قدرت غرور می‌آورد، غرور بدبختی می‌آورد، ثروت فساد می‌آورد، فساد بدبختی می‌آورد، سلامت آرامش روحی می‌آورد، آرامش و بی‌خیالی بعدها بدبختی می‌آورد، امنیت زیاد که هیچ وقت انسان از طرف دشمن تهدید نشود، تنبلی و تن‌پروری می‌آورد. ولی در جهت مخالف، ضعف است که انسان را به سوی پیشرفت می‌کشاند» (مطهری، ۱۳۹۴).

ترمینولوژی^{۱۱} فساد

در بررسی پیرامون این موضوع، می‌بینیم پدیده فساد از شمول دامنه‌داری برخوردار است و بر موضوعات بسیاری صدق می‌کند همچون: فساد مالی، فساد اداری، فساد سیاسی، فساد اجتماعی، فساد فرهنگی، و...

دلیل گونه‌گونی و تعدد انواع فساد این است، که به وجود آمدن فساد نیازمند

دو چیز می‌باشد و از این روی در هر نمودی که دارد منتسب به یکی از این دو امر است:

۱. ظرف و زمینه، همچون جامعه یا فرد؛ اداره و تشکلات سازمانی؛ جنسیت.
۲. مایه و ماده وجودی، همچون فرهنگ و هنر؛ حقوق؛ سیاست و ارتباطات؛ اقتصاد؛ دانش و معارف.

با این حال معرفی هر نوع فساد به یک عنوان خاصی، بستگی به محوریت و موضوعیت زمینه یا ماده آن نزد ما دارد، مثل صدق فساد اجتماعی در مورد در انحصار گرفتن تجارت فلان کالا، که موجب زیان دیدگی اعتبار جامعه گردد؛ و یا صدق فساد حقوقی در مورد نادیده گرفتن حقوق مادی یا معنوی تألیف و اختراع (در اولی به عنوان زمینه نامیده شده است و در دومی به عنوان مایه وجودی)؛ بر این اساس ممکن است در یک زمینه دو، سه یا بیشتر عنوان فساد با هم تداخل داشته باشند.

توضیح: به جز دو متغیر زمینه و مایه نقطه نظرهای دیگری نیز برای احصا وجود دارد که در پی نوشت به بخشی از آن اشاره شده است.^{۱۲}

پس از گذار از این مقدمات اکنون بحث خود را در سه بخش آغاز می‌کنیم:

بخش اول: مفاسد اقتصادی

۱. تعریف

به علت اهمیت و گسترش روزافزون فساد، تعریف آن بیش از پیش دشوار شده است. دادگر با توجه به تعریف بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل، که وی آن را بهترین و ساده‌ترین می‌نامد، می‌گوید فساد عبارت است از: «سوء استفاده از قدرت و اختیارهای دولتی به منظور تأمین منافع شخصی» (دادگر، ۱۳۸۸، ص ۱۲۰). البته ممکن است در نگاه‌های اقتصادی دیگر به جای منبع دولتی عنوان دیگری قرار گیرد و یا به جای منافع شخصی منافع جریانی چون جناح و حزب

مد نظر باشد (حبیبی، ۱۳۷۵، ص ۱۵). گاهی نیز انتقال پتانسیل مالی به خارج به منظور تضعیف قدرت دفاعی کشور است که با دسیسه بیگانگان انجام می‌شود و شاید یکی از دلایل تعدد تعریف فساد همین گونه‌گونی موارد آن باشد؛ لذا با توجه به اینکه طبق ماده دو قانون مجازات اسلامی جرم عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، می‌توان نتیجه گرفت که مفاسد اقتصادی به آن دسته از جرایم علیه تمامیت اموال عمومی و دولتی گفته می‌شود که باعث ایجاد اختلال در نظام اقتصادی کشور در سطح کلان می‌گردد و با خارج ساختن امور اقتصادی از مجرای صحیح و سالم خود، منجر به کسب مال نامشروع و ثروت‌های کلان توسط عده قلیلی از اشخاص یا مقاماتی بشود که به واسطه بهره‌مندی از قدرت سیاسی و سوء استفاده از منابع اطلاعاتی، سیاسی و اقتصادی و طرق مختلف دیگر دارای امکان سوء استفاده از اموال عمومی یا دولتی یا بهره‌مندی از فرصت‌های غیرقانونی و تبعیض آمیز می‌باشند (مرادی، ۱۳۹۳).

بر این اساس مفاسد اقتصادی مصداق بارز جرم و مرتکبین اینگونه جرائم سزاوار پیگیری و کیفر اشد مجازات هستند که در مواردی عمل این افراد مصداق فساد فی الارض و مرتکب آن مشمول عنوان محارب می‌گردد.

۲. تاریخچه

پدیده فساد مالی در سطح جهانی بنا بر آنچه دادگر گفته است از دهه ۱۹۹۰ توجه بسیاری را به خود جلب کرده است (دادگر، ۱۳۸۸، ص ۱۲۰)؛ با این حال ظهور این پدیده در سطح جامعه ایرانی، و نقطه بارز انعقاد نطفه این شر، براساس گفته یکی از حقوق دانان، سال‌های پایانی دهه هفتاد بوده است. وی می‌گوید:

«در سال‌های پایان جنگ تحمیلی، بخشی از مظاهر فساد در جامعه انعکاس بیرونی یافت و قانون‌گذاران برای جلوگیری از افزایش آن به صورتی سریع اقدام به تصویب دو قانون کردند، که بدون تردید هر دو در ارتباط با فساد در جامعه و

دولت بود. نخستین قانون به نام قانون تشدید مجازات مرتکبین کلاهبرداری، ارتشاء و اختلاس بود؛ و دومی اخلال در نظام اقتصادی کشور» (نیکبخت، ۱۳۹۳)؛ با این تعبیر، در نگاه تحلیلی به مسأله فساد مالی آن را از تبعات بحران اقتصادی و ضعف دستگاه‌های نظارتی باید به حساب آورد.

مقام معظم رهبری علیه السلام در اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ منشور هشت ماده‌ای در رابطه با مبارزه با فساد اقتصادی صادر فرمودند؛ که مخاطبان اصلی آن سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه بودند.

تلقی نادرست از فساد و توجیه و تفسیرهای باطل از خودرأیی و منفعت‌طلبی، همواره جاده صاف کن هوی و هوس آنانی بوده که با دور زدن قانون خواسته‌های مشروع خود را تأمین می‌نموده‌اند. بر این اساس مقام معظم رهبری علیه السلام در بند دوم این منشور تذکر داده‌اند که:

«ممکن است کسانی به خطا تصور کنند که مبارزه با مفسدان و سوء استفاده کنندگان از ثروت‌های ملی موجب ناامنی اقتصادی و فرار سرمایه‌ها است؛ به این اشخاص تفهیم کنند که به عکس این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند می‌شود تولید کنندگان این کشور، خود نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصاد ناسالمنند...».

معظم له با درایت و تذکرات حساب شده جلوی هرگونه اهمال کاری و تسامح در انجام وظیفه را بر مجریان مبارزه با فساد گرفته و در بند هفتم این منشور تصریح نموده‌اند که:

«در امر مبارزه با فساد نباید هیچ تبعیضی دیده شود. هیچ کس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثناء شود. هیچ شخص یا نهادی نمی‌تواند با عذر انتساب به این جانب یا دیگر مسؤولان کشور خود را از حساب‌کشی معاف بشمارد. با فساد در هر جا و هر مسند باید برخورد یکسان صورت گیرد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰).

۳. رابطهٔ فساد با اقتصاد مقاومتی

چنان که در مقدمه گفته شد، نسبت بین این دو نسبت متباین است؛ یعنی تا زمانی که با امر فساد به طور واقعی مبارزه نشود، نمی‌توان شاهد رشد اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری در کشور بود و این اطمینان را برای سرمایه‌گذاران ایجاد کرد که به سرمایه‌گذاری در صنایع مادر و زیرساخت‌ها پردازند.

همچنین، فساد مالی در سطح سیاست‌های ملی می‌تواند موجب ناکارآمدی گردد؛ و به طور کلی فساد گسترده و فراگیر یکی از نشانه‌های ضعف مدیریتی است و عملکرد ضعیف سیستم می‌تواند روند رشد و توسعهٔ اقتصادی را با مشکل مواجه سازد.

در سطح خصوصی تجارت نیز، فساد مالی موجب می‌شود فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و اقتصادی از شکل مولد آن به سوی رانت‌ها و فعالیت‌های زیرزمینی سوق داده شوند؛ چنان که از زاویهٔ سیاسی و امنیت ملی هم فساد مالی می‌تواند موجب پرورش سازمان‌های وحشتناکی به عنوان مافیای اقتصادی گردد. انحصارطلبی‌هایی که در حوزهٔ اقتصاد شکل می‌گیرد، بسیاری از نهادهای قدرت را فاسد می‌کند و یک سیستم آلوده به فساد به همهٔ بخش‌های زندگی از جمله محیط زیست و همچنین رفاه مردم نفوذ می‌کند. در ادامه نابرابری‌ها افزایش پیدا کرده و رشد اقتصادی را متوقف می‌کند و هزینه کسب و کار نیز به شدت بالا می‌رود.

از جمله موارد فساد اقتصادی رشوه می‌باشد؛ که اسلام به شدت با آن به مبارزه برخاسته و دهنده و گیرنده آن با نكوهش نموده است.

توضیح

رشوه به مانند مالیات عمل می‌کند و باعث افزایش هزینه‌های تولید در مراحل اولیه می‌شود، اما تفاوت آن با مالیات از این جهت است که در مالیات - به خلاف رشوه - بازده آن به صورت خدمات عمومی به شهروندان جامعه باز

می‌گردد.

از نظر دینی اعطای وجوه افزون بر حق، مثل رشوه و رانت، در حکم اکل مال به باطل و از مصداق‌های سحت و حرام است (شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۳۶۸؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۱۲۶).

از نظر اداری به هر نوع پرداخت غیر قانونی، به افرادی که باید کاری را طبق وظیفه انجام دهند، رشوه اطلاق می‌شود، به منظور انجام آن کار باشد یا تسریع در انجام آن.

از نظر فقهی مال رشوه را نمی‌توان مالک شد و در احادیث نبوی و غیره از دو طرف رشوه به عنوان «ملعون» نام برد شده؛ چنان که در حدیث متواتر از پیامبر اسلام ﷺ آمده است که فرمود:

«خدا لعنت کند رشوه دهنده و رشوه گیرنده و دلال رشوه را» (احسائی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۶۶).

ملاحظه

باید دانست که علت وضع حلال و حرام در تشریح احکام، ترتب صلاح و فساد است که بر نتیجه آنها بار می‌شود و در اصطلاح به آن «مقاصد الشریعه» یا «مقاصد خمس» می‌گویند (میهن دوست، ۱۳۹۴).^{۱۳}

از این روی ممکن است صورت ظاهری امری با نمونه حلال واقعی اشتباه گرفته شود مانند: رشوه، در قالب هدیه به مدیران. باقر شریف‌القرشی در مورد سیره پیامبر ﷺ می‌گوید:

ولی امر و پیشوای مسلمانان باید بر اعمال استانداران - و کارگزاران عالی رتبه - نظارت کند و مراقب تصرفات آنها باشد؛ دخل و خرج و ثروت شخصی آنها را محاسبه کند تا اگر آنها را از راه غیر قانونی و بیت‌المال به دست آورده باشند به جرم خیانت در امانت اموالشان مصادره و از مقام ریاست عزل شوند.

پیامبر اکرم ﷺ این روش نیکو را پایه‌ریزی کرد. آن حضرت دخل و خرج

کارمندانش را حسابرسی می فرمود. مردی از قبیله «ازد» را برای جمع آوری صدقات مامور کرد، وقتی حضرت از او حسابرسی کرد، وی گفت: این مال از آن شماست و این مال را مردم به من هدیه کرده اند؛ حضرت ناراحت شد و فرمود: چه فکر می کند کسی که ما او را بر کاری - که خداوند ما را به سرپرستی آن گماشته - مأمور کرده ایم و می گوید: این مال از آن شما و این نیز به من هدیه شده است. آیا اگر این شخص کاری نمی کرد و در خانه پدر و مادرش می نشست چیزی به او هدیه می شد؟ سوگند! به کسی که جانم در دست اوست، هر کسی که از طرف ما بر کار و شغلی مامور شود و در آن کار خیانت کند، روز قیامت در حالی محشور خواهد شد که آن مال بر گردنش آویخته شده است... (کنایه از رسوایی او است). سپس حضرت دست ها را به طرف آسمان بلند کرد و فرمود: خداوندا، تو شاهد باش! من ابلاغ کردم و این سخن را دو یا سه بار تکرار کرد (القرشی، ۱۳۷۵، ص ۴۳۵).^{۱۴}

استنباطی که از این حدیث می شود گویای آن است که هدیه به کارگزاران نظام، نمونه بارز رشوه در قالب توجیه شده عرفی است؛ اما به این دلیل که در بسیاری از موارد در اثر نا آشنایی با احکام شرعی، انحراف از درجات کوچک آغاز می شود به مرور گسترش می یابد و اثرات وضعی سوء و ناگواری را در سطوح مختلف جامعه بر جای می گذارد.

هدایایی به این صورت اگر به منظور دور زدن قانون و یا نادیده گرفتن آن باشد و یا موجب تبعیض و تزییع حقوق دیگران گردد، یا به نوعی موجب وهن نظام شود از نظر شرعی و قانونی از مصادیق مفاسد مالی به شمار می رود و حرام است.^{۱۵}

۴. عرصه فرایندی مفاسد اقتصادی

در این رابطه اجمالا از دو عرصه و زمینه حکایت می کنیم:

۱. ارگان حکومت ← تشجیع متخلفان. چنان که در این مقوله گفته اند:

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی بر آورند غلامان او درخت از بیخ به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد کشند لشکریانش هزار مرغ به سیخ ۲. افراد یا هسته‌های مردمی ⇨ در تنگنا قرار دادن قشر ضعیف ⇨

قناعت اجباری ⇨ نارضایتی و در اثر آن:

- سوء ظن نسبت به کارگزاران به ویژه ناظران.

- وجود فساد در هر صورت ⇨ عدم اعتماد سرمایه گذاران ⇨ افت

رشد اقتصادی ⇨ افت تولید در اثر فقر سرمایه ⇨ سست شدن پایه مقاومت در برابر تحریم‌ها و...

- وجود فساد در هر صورت ⇨ رشد انحراف از مسیر طبیعی اقتصاد به سوی رانت، رشوه، فعالیت زیرزمینی و...

نتیجه نهایی حاصل از این مجموع، کمک و هماهنگی با دشمنان ملت در کشیدن تنگ اقتصادی و نتیجه دادن کنش‌های تحریم علیه ملت است؛ یعنی درست عکس آنچه باید باشد.

توجیه مدعا، الگوگیری عوام از خواص

اگر فساد فقط در توده جامعه باشد و مسؤولان امور اجرایی، قضایی، اقتصادی و فرهنگی جامعه مبرای از هرگونه سوء کردار و اخلاق ناپسند باشند، به دو دلیل جامعه نیز وجهی مشابه پیدا خواهد کرد:

الف - آنان الگوی جامعه هستند و توده سعی می‌کند خود را با آنان همگون بسازد و در مجموع جو شایسته‌ای به وجود می‌آید که در آن فضایل رشد می‌کند. چنان که امیرالمؤمنین علی ع نیز در همین مضمون فرموده است: «مردم به فرمانروایان‌شان همانندی بیشتری دارند تا به پدران خود» (الحرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۸).

ب - آنان سکان‌دار قدرت هستند و اهرم‌های تغییر اجتماعی را در اختیار دارند. از این روی حتی اگر هماهنگی تشکیلاتی هم وجود نداشته باشد

مجموعه همخوانی خواهند بود که خود به خود در آن هماهنگی وجود دارد و این مجموعه، در تغییر وضع جامعه به سمت مطلوب، تأثیرگذار خواهد بود، بنابراین فساد در کوتاه‌ترین زمان به صفر خواهد رسید.

اما اگر فساد در حوزه دستگاه‌های کارگزاری نظام باشد، به همان دو دلیل فوق، به متن توده سرایت می‌کند و همچون باران تند و ممتدی دارای تأثیرات ویران‌گری است؛ زیرا توده فاسد در کج‌روی‌های خود، احساس امنیت می‌نماید. این امنیت کج‌رفتاری الگوهاست که به توده، نسبت به عدم مؤاخذه، اطمینان خاطر می‌دهد.

بنابراین فساد مسئولان همان پیامد قهری را خواهد داشت که در مورد علمای سوء، از بزرگان دین، نقل شده است.

پیامبر ﷺ در حدیثی فرمود:

«لغزش عالم، مانند درهم شکسته شدن کشتی است که غرق می‌شود و غرق می‌کند»^{۱۶} یعنی عالم فاسد هم خود تباہ می‌شود و هم توده مردم را به تباہی می‌کشاند، به ویژه آنکه مسئولان امور در جامعه ما، به تعبیری، جزو دانشمندان نیز هستند.

از پیامبر ﷺ پرسیدند: کدام دسته از مردم بدترینند؟ فرمود: دانشمندان؛ چون فاسد شوند (ابن شعبه، ۱۳۶۳، ص ۳۸).

از دید پیامبر اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام همواره موضوع از قرار مورد دوم تلقی می‌شود. پیامبر ﷺ فرموده است:

«دو گروه هستند که صلاح و فسادشان به اتم سرایت می‌کند: سؤال شد آنها چه کسانی هستند؟ رسول خدا ﷺ! فرمود فقیهان و حاکمان» (الحرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۰).

پیامبر اسلام ﷺ در این بیان از آگاهان به مسائل دینی و عهده‌داران امر و نهی جامعه، به عنوان منشأ تغییرات مثبت و منفی جامعه یاد نموده است؛ هر چند

که در نگرش کاملی به جامعه، از منظر آسیب‌شناسی، تنها فساد مسؤولین علت پیدایش فساد در جامعه نیست، بلکه بخش قابل توجهی از آن به عوارض ناشی از نداشتن تخصص کافی و نبود مدیریت علمی در حوزه سامان‌دهی نیروی انسانی است که از جمله این عوارض، فرار مغزها و در نتیجه عدم امکان بهره‌گیری از پتانسیل و انرژی‌های ذخیره‌ای این ملت است (پژوهنده، ۱۳۸۲، ص ۱۵۵).

بخش دوم: مفاسد اداری، سیاسی

مفهوم فساد اداری

فساد اداری حالتی است در نظام اداری، که در اثر تخلفات مکرر و مستمر کارکنان به وجود می‌آید و آن را از کارایی مطلوب و اثر بخش مورد انتظار باز می‌دارد (رضایی، بی‌تا). فساد اداری منشأ آسیب‌هایی است که از ناحیه نیروهای متخلف بر بدنه، ساختار و هدف‌مندی سازمان وارد می‌آید و موقعیت اجتماعی آن را زیر سؤال می‌برد. گاهی نیز ممکن است دامنه آسیب به محیط انسانی جامعه سرایت کند.

فساد اداری به لحاظ تفاوت در مایه فساد، گونه‌های مختلفی دارد، همچون: مالی، سیاسی، فرهنگی، هنری، اخلاقی، حقوقی و... بنا بر این، آنچه بدان صبغه خاص اداری می‌بخشد، محوریت سازمان و تشکیلات اداری (خصوصی یا دولتی) است.

آنچه در ادامه می‌آید اشاره‌ای گذرا به پاره‌ای از مسائل مربوط به این نوع فساد است:

الف - آفات و تبعات فساد اداری

فساد در محیط‌های مات و کدر ریشه می‌دواند و ارتباط مستقیمی بین شدت فساد

و فقدان شفافیت وجود دارد.

﴿۲۰۹﴾

شفافیت با کمک به کاهش فساد، برقراری حاکمیت قانون و برخورداری قشر فقیر از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را بهبود می‌بخشد (ضمیری، ۱۳۸۹). آثار سوء و تبعات منفی فساد در هر شکل و قالبی که باشد، مشابه یکدیگر است، اما از جایی که مصادر امور مختلفند، و بازخورد و نتایج کارها نیز به اجبار برگشت به همان مصادر در بادی امر دارند، از این روی در این قسمت از مصادر دولتی و اداری سخن به میان می‌آید. یکی از تحلیل‌گران (فرخ سرشت، ۱۳۸۳) در این رابطه نتایج اجمالی این چشمه از مفاسد را چنین برآورد می‌کند:

«فساد در نظام‌های اداری اغلب کشورها، موجب آسیب‌رسانی جدی به توسعه و پیشرفت شده و در کشورهای در حال توسعه، اهمیت و مهار و کنترل آن کاملاً برای سیاست‌مداران و مردم آنها واضح و آشکار گردیده است. از مضار آن عبارت است از: فساد مانع رشد رقابت سالم و باعث عقب‌راندن تلاش‌ها در جهت کاهش فقر و بی‌عدالتی اجتماعی می‌شود. فساد اداری موجب تضعیف اعتقاد ملت‌ها به توانایی خویش و باعث ناامیدی و سرخوردگی نسبت به آینده‌ای قابل پیش‌بینی می‌شود. فساد به افزایش قیمت‌های معاملات منجر شده، توسعه پایدار را مختل و امکان پیش‌بینی می‌شود. در نتیجه، مبارزه با فساد اداری یک ضرورت است، تا از تشدید آسیب‌ها در آینده، پیشگیری نماید» (میری‌پور فرد، بی‌تا).

توجه ادعاهای فوق همان چیزی است که رئیس محترم جمهور در همایش ملی ارتقاء سلامت اداری و مبارزه با فساد در نطق خود ایراد کرد:

مردم انقلاب کردند برای اینکه کشور از فساد پاکسازی شود. مردم انقلاب کردند تا هیچ مفسدی بر صندلی حکومت و ریاست تکیه نزنند. اگر خدای ناکرده ما در مبارزه با فساد ناتوان باشیم، این به مفهوم ضعف انقلاب اسلامی، ناتوانی انقلاب و دست نیافتن به یکی از اهداف مهم انقلاب اسلامی است.

از دیدگاه مردم، یا مسؤولان اطلاع دارند و در برابر فساد نمی ایستند، پس خود آلوده‌اند، در نتیجه کل انقلاب و نظام زیر سؤال است، یا آنکه نمی‌دانند و اگر می‌دانند در مبارزه با آن ناتوانند، پس نظام اسلامی نظامی ناکارآمد است. چه فاسد بودن نظام، چه ناکارآمد بودن آن - که یکی از این دو، مورد قضاوت مردم است - به معنای آن است که ما به یکی از مهم‌ترین اهداف انقلاب دست نیافته‌ایم.

ناطق در دنباله سخن، ملاک صحت و درستی عمل کارگزاران را رضایت مردم می‌داند؛ همان چیزی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز محمد بن ابی بکر را بدان توصیه فرمود، که در دوران ولایت و حکومت چیزی را برای امور مردم بخواه که برای خود و خانواده‌ات می‌خواهی.

اگر مردم احساس کردند که مانند فرزندان، برادران، خواهران، مادران و دختران مسؤولین هستند، اگر دیدند رئیس جمهور یا رؤسای دیگر، وزراء، مقامات، مسؤولان، قضات، نمایندگان و... در هر رده‌ای که هستند، آنچه برای فرزندان‌شان می‌خواهند برای مردم هم می‌خواهند، آن وقت رضایت عموم مردم حاصل می‌شود.^{۱۷}

قرآن مجید فروپاشی نظام اجتماعی و اضمحلال تدریجی یا دفعی جوامع انسانی را به عنوان پیامد قهری و جزء جدایی‌ناپذیر فساد دانسته آن‌جا که بیان می‌دارد:

«چون اهل دیاری را بخواهیم هلاک کنیم، پیشوایان و متنعمان آن دیار را امر کنیم راه فسق و تباهکاری و ظلم در آن دیار پیش گیرند، و در آن زمان عذاب لازم می‌شود، پس آنگاه همه را هلاک می‌سازیم (اسراء/۱۶).

ب - بسترها، زمینه‌ها و مایه‌ها

چنان که یادآوری شد در این رابطه زمینه‌های مستعد مختلفی ممکن است وجود داشته باشد و نمی‌توان آن را به زمینه و درون مایه واحدی منتسب دانست، چنان

که بعضی از این‌ها عبارتند از:

– بستر فرهنگی جامعه:

﴿۲۱۱﴾

نخست باید دانست که فرهنگ عمومی جامعه، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر افراد و اجتماع و عقاید و باورهای مردم نقش محوری در این زمینه دارند. مادی‌گرایی، فردگرایی، روحیه مصرف‌گرایی و مهم‌تر از همه ضعف در ایمان به غیب و جهان آخرت از آن جمله است. نقل معروفی است از نیچه، داستایوفسکی و بعضی دیگر که: اگر خدا نباشد هر کاری مجاز است. به نظر نگارنده برای مجاز شدن هر اقدامی ایمان نداشتن به معاد، کارا تر از ایمان نداشتن به خداست، زیرا خدایی که روز جزایی نداشته باشد فاقد کنترل اجتماعی بوده، و تشریح او بی‌فایده است.

به قول ویلیام کریگ (متأله مسیحی معاصر Craig, 2008, P. 2th) در صورت منهای ایمان به خدا و معاد:

«کمک دانشمند برای پیشرفت دانش بشری، تحقیقات پزشکی برای کاستن درد و رنج، تلاش دیپلمات برای برقراری صلح در جهان، فداکاری‌های نیکان برای بهتر شدن وضعیت نوع بشر، همه این‌ها به‌خاطر هیچ است. در پایان، تلاش این افراد هیچ تفاوتی ایجاد نمی‌کند. بنابراین، زندگی هیچ کس اهمیتی غایی ندارد» (خداپرست، ۱۳۹۲).

– مایه‌های اقتصادی:

بی‌ثباتی اقتصادی، تورم افسار گسیخته، رکود اقتصادی، کاهش درآمدها و کاهش قدرت خرید مردم و توزیع ناعادلانه درآمدها در جامعه از جمله مهم‌ترین عوامل اقتصادی بروز تخلفات اداری است. بدیهی است عامل مزبور موجب فقر و تنگدستی و نیاز است و چنانچه شدت یابد ایمان را مستهلک می‌کند و سر به کفر و ناباوری به ارزش‌های دینی می‌زند چنان که منسوب به امام علی علیه السلام است

که فرموده: از دری که فقر وارد شود، از در دیگر ایمان می‌رود.

- عوامل سیاسی:

عدم استقلال کامل قوه قضائیه، نفوذ قوه مجریه بر آن و بر دستگاه‌های نظارتی و بازرسی، فشار گروه‌های ذی‌نفوذ در داخل و خارج سازمان، فساد اداری مدیران، جوسازی و غوغا سالاری، توصیه برای در امان ماندن مدیران متخلف از مجازات و بالاخره عدم آگاهی مردم از حقوق خود در برابر قانون، از جمله عوامل سیاسی تسهیل کننده تخلفات اداری است.

- عوامل اداری سازمانی:

تشکیلات اداری غیر کارآمد، پیچیدگی قوانین، مقررات و تعدد بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های اداری، مدیران غیر مؤثر، فقدان شایسته سالاری و وجود تبعیض در زمینه استخدام و ارتقای افراد، نارسایی در نظام تشویق و تنبیه و نظام نظارت و ارزشیابی و عوامل متعدد دیگر از جمله عوامل مؤثر در این امر هستند (رضایی، ۱۳۹۳).

ج - گونه‌هایی از فساد اداری

- رشوه (Bribery):

رشوه، وجهی (پول یا اشیای دیگر) است که طی یک رابطه آلوده و فاسد گرفته یا داده می‌شود. نفس گرفتن یا دادن رشوه، تخلف است و باید آن را جوهر فساد دانست.

- اختلاس (Embezzlement):

دزدیدن منابع توسط افرادی است که به آنها دسترسی دارند؛ این پدیده زمانی بسیار اهمیت پیدا می‌کند که کارمندان بخش عمومی، از نهادهایی که در آن

استخدام شده‌اند و از منابعی که باید در راستای منافع عمومی از آنها استفاده شود، اقدام به دزدی، یا تصرف در آن فراتر از محدودیت‌های قانونی و مقرراتی نمایند.

هنگامی که اختلاس صورت می‌گیرد، منافع عمومی به خطر می‌افتد؛ اما هیچ دارایی شخصی سرقت نمی‌شود و شهروندان، از حقوق قانونی برای محاکمه برخوردار نیستند.

– کلاهبرداری (Fraud):

تغییر یا تحریف اطلاعات، واقعیت‌ها و تخصص، توسط مأموران بخش عمومی است که واسطه بین سیاست‌مداران و شهروندان و به دنبال کسب منافع شخصی می‌باشند.

– اخاذی یا باج‌گیری:

عبارت است از به‌دست آوردن پول و اشیای دیگر با به کار بردن زور، خشونت یا تهدید.

– پارتی‌بازی:

نوعی سوءاستفاده از قدرت است که در فرایند خصوصی‌سازی و توزیع منابع دولتی، بدون توجه به اینکه این منابع در محل اول چگونه جمع‌آوری شده‌اند، به کار می‌رود.

– خویشاوندسالاری:

شکل ویژه‌ای از پارتی‌بازی است که طی آن، مدیر یک اداره اقوام و اعضای فامیل خود (همسر، برادر، خواهر، فرزند، عمو و...) را بر دیگران ترجیح می‌دهد (حسنی، ۱۳۹۱).^{۱۸}

توضیح این که موارد یاد شده از زاویه اقتصادی فساد مالی محسوب می‌شوند،

اما به لحاظ نسبتی که با قالب و زمینه عمل اداری دارند جزو مفاسد اداری قلمداد می‌شوند.

این‌ها مظاهر فساد هستند و قانون اساسی برای تأمین امنیت اقتصادی و جلوگیری یا برخورد با مفاسد اداری و اقتصادی، حق تجسس و تفحص در موارد مشکوک را به قوه قضائیه داده است.

اصل ۴۹ قانون اساسی، دولت را موظف ساخته که با رسیدگی و تحقیق از طریق قضاء اسلامی ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دائر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند. در واقع این اصل تأکید و اصراری دیگر بر مالکیت مشروع و حمایت از آن است. این اصل می‌گوید به هر طریق و وسیله غیر مشروع دارائی کسی در اختیار دیگری قرار گرفته باشد، باید به صاحب حق بازگردانده شود (مدنی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۸).^{۱۹}

فساد اداری در بوته ارزیابی

ارزیابی به عمل آمده از فساد اداری ناظر به بوته قانونی و مقررات معمول در کشورها در حال توسعه متفاوت است.

همچون جاهایی که قوانین و مقررات موضوعه از نقص و چالش برخوردار است و عمل در چارچوب آنها در حد انتظار بازده ندارد بلکه بازده فساد اداری بر هزینه‌های آن می‌چربد و از این روی بر نظریه رقیب رجحان می‌یابد. از این نظریه به نام مکتب کارآمدی یاد می‌شود.

معتقدان به این مکتب بر این باورند که فساد، نقش روغن را برای چرخ‌های خشک نظام بوروکراسی ایفا می‌کند، و رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری را تسهیل می‌نماید. بنابراین، طرف‌داران مکتب کارآمدی، فساد را هزینه کسب و کار می‌دانند که منفعت آن بیش از هزینه آن می‌باشد. به هر روی، فساد از نظر

اثر گذاری، خنثی نیست. ادعاهای زیادی هست مبنی بر اینکه فساد اداری، پدیده‌ای به طور کامل بد و منفی نیست و آثار مثبت نیز دارد.

در مقابل، نظریه دیگری فساد را در هر حال و هر زمینه‌ای مانعی در راه توسعه می‌داند، که از این نظریه به عنوان مکتب ناکارآمدی یاد می‌شود. اصحاب این نظر می‌گویند اگرچه مکتب کارآمدی فساد، بر مبنای برخی استدلال‌های نظری ارائه شده است، اما نتایج پژوهش‌های بسیاری که در سال‌های اخیر در زمینه اثرات فساد اداری انجام شده، استدلال‌های مکتب کارآمدی فساد را با چالش مواجه کرده و بیان‌گر این حقیقت است که فساد، حرکت به سمت توسعه را کند می‌کند (علیزاده ثانی، ۱۳۸۶، ص ۱۸).

ما به عنوان شهروند اسلامی بر این باوریم که رویکرد به نظریه کارآمدی فساد اداری از دو جهت با نظام مقدس اسلامی در حال چالش است:

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برگرفته از متن اسلام ناب، و در مقایسه با موارد مشابه خود جزو قوانین پیشرفته جهان است؛ بر این مبنای سه دهه پیش توسعه‌ای در جامعه خود آغاز کرده‌ایم که در وضعیتی پویا و فراگیر رشد چشم‌گیری را طی کرده است و فساد در هر شکل آن مانع رشد آن خواهد بود.
۲. روح این نظام، با عدالت اجتماعی گره خورده، و این موضوع جزو اهداف عالی این نظام است؛ از این روی، فساد به هر شکل آن مانعی در راه تحقق عدالت اجتماعی است.

راهبرد - مدیریت شفاف مانع رشد فساد

یکی از عواملی که از بی‌عدالتی‌ها و فسادهای بالقوه نظام و نیز اصول نسنجیده کارایی و صرفه‌جویی خالص در فرآیندهای مدیریتی و اداری جلوگیری می‌کند، شفافیت است. شفاف بودن امور و مسائل در حکومت و مدیریت از جمله کلیدی‌ترین سیاست‌هاست؛ زیرا به طور عمده تباهی و خلاف کاری آن‌جا پیدا می‌شود و رشد می‌کند و برپا می‌ماند که امور و موضوعات از دید مردمان و

اداره‌شوندگان پنهان بماند. مدیریت‌های پشت‌پرده بسترساز نادرستی، خلاف کاری و ستم‌گری است. اگر همه چیز شفاف صورت بگیرد، اقدامات خلاف قانون و بیرون از آن، روابط پنهان قدرت‌طلبانه و منفعت‌جویانه، معاملات در سایه که قابل حسابرسی و پیگرد قانونی نیست، معنی نمی‌یابد یا به شدت کم می‌شود. شفافیت امور سبب می‌شود تا از رانت‌ها و ویژه‌خواری‌ها جلوگیری شود و اعتماد شهروندان به کارگزاران و رهبران جامعه افزایش یابد. همچنین موجب می‌شود کارگزاران نظام مراقب رفتار و اعمال خود باشند؛ چرا که باید در برابر مردم پاسخ‌گو باشند. در ضمن، نخبگان جامعه با اطلاع از روند امور به نقد برنامه‌ها پرداخته، در اصلاح آنها ایفای نقش می‌نمایند (رسولی، بی‌تا).

د - علت کم توجهی مسؤولان در برخورد با فساد

در این رابطه علت‌های مختلفی را می‌توان برشمرد همچون: ناتوانی بعضی از مسؤولان و قرارگیری آنها در مناصبی که شایسته آن نیستند؛ واهمه و یا احترام بیش از اندازه نسبت به عنوان‌ها، مناصب و روابط با افراد ذی‌نفوذ، چنان که به دلیل که پرهیز از بدنام شدن شخص محترمی، افراد متخلف منتسب به وی به حال خود رها شوند، که این موضوع تذکر مقام معظم رهبری علیه‌السلام را هم به همراه داشته است. ایشان می‌فرمایند: «به مسؤولان خیرخواه در قوای سه‌گانه پیاموزید که تسامح در مبارزه با فساد به نوعی هم‌دستی با فاسدان و مفسدان است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰)؛ البته وجود افراد ناسالم و یا نفوذی جریان‌های معاند در دستگاه‌ها نیز می‌تواند دلیل دیگری باشد.

با این وجود مبرهن است که مبارزه با هر نوع فساد از جمله فساد اداری، با همت و عزم جهادی و اراده قاطع افراد در بسیج همگانی میسر است و چنان که رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه‌السلام در پیامی به همایشی در این رابطه فرمودند، با سخن و گفتگو راه به جایی نمی‌برد (خامنه‌ای، ۱۳۹۳). زیرا هم قبح عمل معلوم است و هم آثار و تبعات منفی آن بر کسی پوشیده نیست تا نیاز به اثبات و مدلل‌سازی

بخش سوم: مفساد علمی، فرهنگی و هنری

چنان که در مقدمه یادآور شدیم این طور مفساد هر چند به گونه مستقیم تهدیدی برای اقتصاد مقاومتی به حساب نمی آید اما کیست که نداند آنچه یک ملت بزرگ و مقاوم را به زانو در می آورد شکست روحیه و ایمان به هدف است؛ که برای هدم و شکستن آن باید در انحراف مسیر جریان فکری، عقلی و علمی و به طور کلی صبغه‌های معنوی آن جامعه تلاش کرد. دلیل مدعا جوشیدن تمدن هزار ساله اسلامی از بدنه مستعد ملت‌هایی است که پیش از دمیدن روح ایمانی - اسلامی سهم قابل ذکری از آن نداشتند. براساس همین باور است که غرب استعمارگر در میانه جنگ‌های صلیبی خط مشی نظامی خود را علیه ملت‌های اسلامی عوض کرد و سیاست جنگ نرم و تهاجم علمی - فرهنگی را پیشه کرد، که هنوز ادامه دارد.

با این حال، در این بخش در صدد هستیم که وجود مفسادی از این دست را فقط به عامل خارجی منتسب نسازیم، هر چند که تمهید و توطئه بخش کلیدی آن را استکبار جهانی برعهده دارد.

۱. فساد علمی

دانش در جهان‌بینی اسلامی برحسب اجمال بر دو قسم‌اند: نافع و مضر؛ و توجیه آن در هدف، مقصد و نتیجه‌ای است که از آن به بار می‌نشیند.

به عبارت دیگر، دانش را در جهت اضرار به خلق‌الله به کار انداختن، از دانش و مهارت در جهت منافع شخصی سوء استفاده کردن، خیانت در تربیت، یعنی تربیت جویان را به نهج فاسد بار آوردن و یا کوتاهی در انجام آن نمودن، حتی کسب دانش برای نازفروشی بر مردم و یا رو کم کنی دیگران و یا قطب شدن و گروه‌گرایی از دیدگاه اسلامی نکوهیده و مصداق فساد علمی است. متون

بسیاری از احادیث به این موضوع دلالت دارند که از باب نمونه به فحوای حدیثی اشاره می‌شود که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امام علی عَلِيٌّ می‌فرماید: «کسی که دانش را به منظور لجاجت با بی‌خردان و یا مجادله با عالمان و یا کشاندن مردم به سوی خود بیاموزد، عالمی جهنمی است (ر. ک. شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۶۲).

فساد علمی را نه تنها در باب تعلیم و تربیت که در تمامی صحنه‌ها می‌توان یافت.

هر جا تخصصی کارآمد وجود داشته باشد که مردم به آن نیازمند باشند و از ارائه صحیح دانش و مهارت دریغ ورزیده شود و یا از آن سوء استفاده شود، بر آن عنوان فساد علمی صدق می‌کند. قرآن می‌گوید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتُرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (بقره، ۱۷۴)؛ یعنی آنان که در ازای گرفتن بهای اندکی از اظهار دستور الهی سر باز می‌زنند، جز آتش نمی‌خورند و خداوند در قیامت با آنان سخن نمی‌گوید (از شدت خشم)، و برای آنها عذاب دردناکی است.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قبل از بیان مطالب حدیث پیشین، رشوه در حکم و مزد کفالت را مصداقی از سحت دانسته بود، چیزی در ردیف «ثَمْنُ الْمَيْتَةِ وَ ثَمْنُ الْكَلْبِ وَ ثَمْنُ الْخَمْرِ وَ مَهْرُ الزَّانِيَةِ».

تکمله - فساد معرفتی

چنان که در توجیه تقسیم علم به مفید و مضر یا به عبارتی نافع و فاسد یادآوری شد، در بازتاب شدیدتری این تقسیم برای معرفت نیز وجود دارد.

علت شدیدتر بودن آن این است که در رابطه با علم جز همان مورد گروه‌گرایی و خلق الله را به دنبال خود انداختن، سایر موارد، حوزه گسترده و

عمق زمانی چندانی ندارند و زود به ورطه فراموشی سپرده می‌شوند؛ اما معرفت به دلیل نفوذ در بوتۀ اعتقاد و باور ذهنی عمق و گسترش می‌یابد چنان که می‌بینیم نحله‌های معرفتی تصوف و یا نص‌گرایی و یا مکتب‌های فلسفی - کلامی جبر و تفویض و قدریه و... و یا مکتب‌های افراط‌گرای دینی خوارج و سلفیه، نه تنها هیچ‌گاه منقرض نشده‌اند بلکه هر از چند گاهی سر بر می‌آورند و گسترش می‌یابند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام پس از فرونشاندن فتنه خوارج عصر خود، خطاب به امت اسلام فرمود:

«نه به خدا سوگند! این‌ها نطفه‌هایی در پشت مردان و رحم زنان خواهند بود؛ هر زمان شاخی از آنها سرزند قطع خواهد شد تا اینکه آخرین شان دزدانی رباینده باشند» (امام علی، ۱۳۹۵ق، ص ۹۳، ک ۶۰)؛ و این نکته‌ای است که از ماهیت مشترک جریان‌های فکری - اعتقادی خبر می‌دهد که منحصر در فرقه خاصی هم نیست.

بر این اساس اهمیت تمرکز روی معرفت باید بیشتر از سایر موضوع‌ها باشد. این دقت و تمرکز خاص در شرایط زمانی و انسانی حال حاضر که باید آن را عصر معرفت و ایدئولوژی نامید، از هر زمان دیگری ضرورت بیشتری می‌یابد، به خصوص مکاتب فقهی - کلامی خوارجی و سلفی و در درجه دوم اهمیت مکتب‌های عرفانی یهودی (کابالا)، مسیحی (گنوسی)، سرخپوستی و هندی و غیر این‌ها که شمارشان از توان نگارنده خارج است.

فساد معرفتی، که بخش عمده‌ای از آن را در عرفان‌های سکولار و مذاهب فاسد می‌یابیم، آسیبی که بر رشد و پیشرفت راه حق، راه انبیا وارد می‌سازد به مراتب بیشتر از آسیبی است که گزینه‌های یاد شده در این نوشتار بر اقتصاد و توسعه وارد می‌سازند. چه آن که این نحله‌های اعتقادی قلمرو فرهنگ مادی و معنوی بخش وسیعی از جغرافیای انسانی را شامل می‌شوند چنان که در نمونه

مذاهب تکفیری عصر حاضر مشاهده می‌کنیم.

دومین مسأله این نحله‌ها این است، که در بهترین حالت می‌توانند آلت دست اغواگران استکباری قرار گرفته و تقویت شوند تا علیه امت‌های اسلامی در تسخیر نظام‌های سیاسی آنان به کار گرفته شوند.

۲. فساد فرهنگی - اجتماعی

گاهی برای دو عنوان فرهنگی و اجتماعی معنای واحدی در نظر گرفته می‌شود، یعنی آنچه به فرهنگ جامعه ارتباط پیدا می‌کند؛ چنان که گاهی دو عنوان سیاسی و اجتماعی چنین است. با این حال منظور ما در این قسمت دو عنوان جدا از یکدیگر است.

سخن از مفاسد فرهنگی به دو معناست: یکی ناظر به اموری است که به طور ذاتی امر فرهنگی هستند؛ مثل اینکه از عادات، آداب، سنت‌ها، مراسم، سبک و شیوه‌ها و... باشند. دومی ناظر به فرهنگ شدن امر قبیح است هر چند به طور ذاتی امر فرهنگی نباشد؛ مثل اینکه رشوه در جامعه‌ای قبحش آن چنان شکسته باشد، که جزو بایسته‌های اجرا گردیده و به طور معمول بدون آن هیچ کاری انجام نپذیرد.

فرهنگ‌سازی اگرچه امر صعب و دشواری است، اما در اثر شایع شدن و استمرار یافتن، هر چیزی تبدیل به عادت می‌شود و به شکل یک فرهنگ درمی‌آید.

انجام امر قبیح اگر به صورت عادت نباشد، تأثیر شگرفی به جانمی‌گذارد و قابل جبران، ترک و اصلاح است و از این روی بار گناه خودش را دارد؛ و قرآن نیز چنین موردی را که اصرار بر انجام آن نباشد و به توبه و اصلاح منتهی گردد، مشمول رحمت الهی و آمرزش گناه دانسته است (آل عمران/۱۳۵)؛ اما اگر به صورت عادت درآید، قبح آن از بین می‌رود و به فساد نفس و روان تبدیل می‌گردد؛ یعنی پیش از آنکه آثار منفی بر جامعه داشته باشد، درون خود شخص

را به فساد کشانده و تباه می‌سازد؛ از بعد خارجی هم آثار منفی عمیق و گسترده‌ای بر محیط جامعه بر جای می‌گذارد. به همین خاطر از نظر پیامبر اسلام ﷺ منکر شدن معروف و معروف شدن منکر (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۹) به مراتب بدتر از وضعی است که پای رواج منکر و ترک معروف در میان باشد؛ زیرا در آن صورت این دو فعل و ترک تبدیل به فرهنگ و مصداق فساد فرهنگی شده‌اند.

فساد فرهنگی زمانی که دامن جامعه را فراگیرد، عوارض منفی آن به همه افراد جامعه سرایت می‌کند، چنان که رویه مقابل آن یعنی صلاح و شایستگی نیز چنین است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در رابطه با این موضوع فرموده است:

«هرگاه جامعه مشمول صلاح باشد و مردمی شایسته داشته باشد، اگر کسی به فرد ظاهرالصلاحی گمان بد ببرد، بر او ستم کرده است اما اگر جامعه و اهل آن را فساد گرفته باشد، خوش گمانی نوعی خودفریبی تلقی خواهد شد (امام علی، ۱۳۹۵ق، ص ۴۸۹، ق ۱۱۴).

قرآن نیز در همین رابطه و بر همین اساس می‌گوید:

﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (انفال/۲۵)؛ یعنی از فتنه‌ای پرهیزید که تنها دامن ستم‌کاران را نمی‌گیرد؛ و بدانید که خداوند سخت عقوبت است.

نمونه دیگر شکل‌هایی از فساد مالی که به صورت یک عادت درآمده‌اند؛ علاوه بر موضوع اولیه خود، به عنوان فساد فرهنگی نیز تلقی می‌شوند.

نمونه‌های دیگر فساد مالی - فرهنگی در این اواخر به صورت دیگری مشاهده می‌شود؛ به این ترتیب که در رابطه با پرداخت جرایم معوقه و یا دیون مالیاتی تاریخ گذشته، بدون حکم حاکم شرع و یا مرجع قانونی، اقدام به مصالحه به اندک در زمان ثانوی می‌نمایند. به طور قطع این‌ها نیز از مصادیق مفاسد مالی

هستند؛ و اگر در اضطرار قانونی هم واقع شوند؛ چنان چه موجب عادت و انتظار متخلفین نسبت به مسامحه مسؤولان یا آنان در بازپرداخت حقوق ملت گردند؛ همان حکم را خواهند داشت.

بر این اساس می‌توان شیوه رایج در بعضی ادارات را در خصوص مماشات با متخلفین و بدتر از آن، تشویق ارباب رجوع به تخلف برای گرفتن جریمه و نیز کوتاه آمدن‌های بی‌رویه در مصالحه جرایم بر مقدار اندک را از مصادیق مفاسد فرهنگی دانست (چنان که بعضی از موارد آن مصداق اختلاس و فساد اقتصادی نیز هست).

رواج مفاسد فرهنگی، اقتصادی و یا سیاسی گاهی در اثر تکرار، استمرار و کثرت تخلفات از سوی مردم صورت می‌پذیرد و گاهی وضع مقررات و مصوبات نسنجیده باعث آن می‌شود، چنان که بخشوده شدن مالیات‌های معوقه یا مصالحه جزا به وجه نقد و یا برخوردار شدن از تخفیف‌های قابل توجه جرایم و دیون دولتی و نظایر مثل خرید سربازی (اگر بدون اذن مراجع قضایی یا دولتی یا سایر مراجع قانونی صورت گرفته باشد) را می‌توان از مصادیق فساد شمرد.

تحلیل ریشه‌های فساد اجتماعی

الف - دلایل هنجارشکنی در عرصه اخلاق اجتماعی

بحث هنجارشکنی در چند عرصه ممکن است مطرح شود؛ روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و در ساحت اخلاق اجتماعی. همچنین در مباحث جرم‌شناسی وابسته به پژوهش‌های قضایی جایگاه بایسته‌ای دارد.

بحث در این قسمت، بیشتر به لحاظ روان‌شناسی اجتماعی و از بعد تربیتی است، یعنی در واقع بحثی ریشه‌شناختی راجع به بوته تربیتی اشخاص هنجارشکن است.

بسیاری از نمونه‌های کجروی رفتاری به عامل روانی در خانواده باز می‌گردد؛ تحقیرها و برخوردهای نادرست و شکننده، به خصوص در مواقعی که خلاف

انتظار تصور شود، در دوره نوجوانی و جوانی بازتاب می‌یابد. برخی نیز به بوتۀ آموزشگاه مربوط می‌شود. به عنوان مثال فردی که پیایی در مدرسه دچار شکست روحی از ناحیه عوامل آموزش و پرورش شده است، تلقی ناپسندی از نظام ارزشی رسمی و حاکم بر آموزشگاه پیدا می‌کند و در صدد معارضه با آن است. چنین شخصی در جامعه نسبت به هنجارشکنان روی خوش نشان می‌دهد و به آنان جذب می‌شود و این نه به خاطر جلب منفعت است، که بیشتر حرکتی تلافی‌جویانه در برابر نظام ارزشی است که او را آزرده است (مور، ۱۳۸۱، ص ۲۷۳).

در این میان به عوامل اقتصادی نیز باید اشاره نمود. در مقاطعی از زمان و در مناطقی از جغرافیا، فقر فراگیر عامل بروز ناهنجاری رفتاری است که نظام ارزشی رسمی را به مخاطره می‌اندازد و در صورت تداوم یافتن از نسل حاضر به نسل آینده، بیم جایگزینی آن در جایگاه نظام قبلی نیز می‌رود؛ به اندازه‌ای که فرهنگ را به طور کامل تحت تأثیر قرار می‌دهد.

برخی از جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو (رهیافت بوم‌شناختی) که به بررسی کژرفتاری حومه‌نشینان شهری می‌پردازند، این پدیده را ناشی از برخورد خرده فرهنگ منطقه برزخی با فرهنگ رسمی شهر می‌دانند، که به وسیله عامل فقر فراگیر غنا یافته و تقویت شده است. مور (همان، ۲۷۱) پدیده هنجارشکنی را در مناطق برزخی شهری، اگر چه مرتبط به بررسی‌های شیکاگو می‌داند، اما معتقد است که این عارضه در اکثر شهرهای اروپایی نیز در مناطق برزخی به عنوان یک مسأله وجود دارد.

از پژوهش‌گران داخلی نیز برخی بر این باورند که نابسامانی‌های اقتصادی، باعث تحریک به هجوم بر ارزش‌های رسمی می‌شود. بنا به نتیجه، پژوهش‌های انجام شده توسط شماری از این پژوهش‌گران، کمی در آمد، تنوع، تجمل، اختلاف فاحش طبقاتی ساکنان شهرهای بزرگ، گرانی و سنگینی هزینه‌های

جاری، مهاجران را که درآمد کافی ندارند، وادار به هنجارشکنی می‌سازد تا جهت برآوردن نیازهای خود دست به هر کاری بزنند (خاکپور، ۱۳۸۴).

آموزه‌های دینی نیز بر طبیعی بودن این فرایند، مهر تأیید می‌زنند، آن جا که از زبان پیامبر اسلام ﷺ نوای «فقر ممکن است به کفر بینجامد.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۰۷) به گوش می‌رسد. باری به هر روی مسأله هنجارشکنی در برد اخلاقی یکی از مسائل اصلی جامعه ما می‌باشد که برای آرمان شهر اسلامی آسیب بزرگی است.

ب - سکولاریته شدن عامل فکری بی‌بند و باری فردی

توجیه گزاره بالا بدین صورت است که دنیاگرایی، به عرفی شدن دین می‌انجامد و قداست‌ها را می‌زداید و آموزه‌های تربیت دینی را تا حد پند حکیمان تنزل درجه می‌دهد. دین در بوته سکولار امری اخلاقی و شخصی است و ضمانتی برای اداره جامعه ندارد. دین داری یک حق تلقی می‌شود؛ و حق نیز در تعریفی علمی توضیح داده می‌شود. در چنین وضعیتی، مرز حلال و حرام در زمینه اعتقادات پاک می‌شود و حریم‌های حقوقی - قانونی نیز تا جایی محترم انگاشته می‌شود که در کنترل پلیس باشد.

در پی بی‌اعتقادی اشخاص، لقمه‌های شبهه و حرام، تأثیر شوم و مخرب خود را در بی‌اثر شدن نصایح و اندرزهای مروجان و مرییان دینی به جای می‌گذارد. این همان وضعی است که امام حسین علیه السلام از آن برای سپاه یزیدی تقریر می‌نماید که لقمه‌های حرام نمی‌گذارند سخنان من در شما تأثیری داشته باشد.

«وای بر شما! شما را چه می‌شود که به من گوش فرا نمی‌دهید و سخنم را نمی‌شنوید...؟ آری، شکم‌های شما از حرام پر شده و بر دل‌های شما مهر نهاده شده است. وای بر شما آیا گوش فرا نمی‌دهید؟ آیا نمی‌شنوید؟» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۵، ص ۸).

ج - بی اعتبار شدن مرزهای جغرافیایی

روزی اگر از طریق جلوگیری نسبت به ورود لوح‌های فشرده غیر مجاز مبارزه با مظاهر فرهنگ اجنبی ممکن بود، امروزه امواج حاوی پیام‌های ضد اخلاقی و بیگانه با فرهنگ ملی ما، همچون اشعه کیهانی از ماهواره‌ها بر سطح زمین می‌بارند و به داخل خانه‌ها نفوذ می‌کنند؛ که مبارزه مستقیم با آن ناممکن است.

از سوی دیگر، نیاز به پر کردن جدول برنامه‌های رادیویی، تلویزیونی، متصدیان امر را وادار به تأمین آن از صادر کنندگان لائیک می‌نماید. این گروه فیلم و سریال هر چند قبل از اکران بررسی و گزینش می‌شوند، اما دارای آموزه‌ها و نمودهای ملی مغایر فرهنگ اسلامی هستند، که تواتر نمایش آنها به تدریج موجب عادی شدن و حتی تغییرات فرهنگی و اخلاقی و دینی می‌شود و راه را برای مسخ رفتار و پندار در آرمان شهر اسلامی هموار می‌سازد.

اینک به برخی از ابزار کارآمد که در جنگ نرم امکان استفاده از آنها وجود دارد، اشاره می‌شود:

- تلفن همراه و دستگاه‌های دی وی دی خانگی و دستگاه‌های پخش کننده فایل‌های صوتی و تصویری؛
- محصولات هنری و فرهنگی؛
- ماهوره و اینترنت؛
- وسایل ارتباطی و الکترونیکی؛
- رسانه نوین بازی‌های رایانه‌ای.

البته این ابزار می‌توانند در جهت نشر و تبلیغ پیام‌های زندگی ساز دینی قرار گیرند؛ مشروط به اینکه روی این هدف به منظور عرضه مؤثر آنها سرمایه گذاری شده و تأکید لازم انجام گیرد.

د - تهدید غیر مستقیم از سوی عامل خارجی

تهدید غیر مستقیم را می‌توان هرگونه اقدام غیرخسونت‌آمیزی دانست که

ارزش‌ها و هنجارها و به طور کلی اخلاقیات جامعه را مورد هجوم قرار می‌دهد تا آنجا که، منجر به تغییر الگوهای رفتاری و خلق الگوهای جدید می‌شود، که با الگوهای رفتاری نظام حاکم تعارض دارند (آذر - مون، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۲۱)؛ تهدید بدین صورت را تهدید نرم گویند. تهدید نرم نیز همانند تهدید سخت دارای ابعاد مختلفی است؛ با وجود این، تجلی و نمود آن در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بیشتر است (سیف‌الله، ۱۳۸۸، ص ۶۱). تهدیدهای نرم را می‌توان در حوزه نظریه‌ها، مؤلفه‌ها، شاخص‌های تبیین و تئوریزه شده دشمن، به عنوان زمینه‌های بسترسازی برای اقدامات و فعالیت‌های وسیع فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... و از طرفی اقدامات و فعالیت‌های متعدد در صحنه‌های مختلف کشور هدف، برای تأثیرگذاری بر اراده، افکار، احساسات و اعتقادات مخاطبان عنوان کرد. از نگاهی دیگر، در تهدیدهای نرم، دشمن با ذهن و قلب مخاطب سر و کار دارد و تلاش می‌کند قلب‌ها و اذهان مخاطبان را تسخیر کند (ماه پیشانیان، ۱۳۹۰، ص ۱۳).

خناسان یا عاملان نفوذ شیطانی، از مهم‌ترین شیوه‌های که برای نفوذ و القای سموم پنداری خود استفاده می‌کنند، شیوه نفاق گونه است. آنان برای اغفال مردم تحقیق و مطالعه می‌کنند تا به علایق رفتاری‌شان آگاه شوند و آن گاه خود را به همان شکل می‌آریند و در صدر جایگاه تربیتی مردم می‌نشینند.

وسوسه‌گران خارجی با بزرگنمایی پیشرفت مادی خود، به طور ناخودآگاه الگوی مد نظر خود را به سایر مردم تلقین می‌نمایند؛ به گونه‌ای که آموزش طبیعی آن برتری و سیادت آنان بر دیگران باشد. در چنین صورتی در بهترین حالت به عنوان الگو پذیرفته خواهند شد. آنها هر گونه وابستگی به دولت‌های خود را نفی می‌کنند، اما واقعیت این است که دسته‌های تبشیر اعزامی از مرکز توطئه‌های صلیبی به منزله خط‌شکنان نامنظم سپاه استعمار، به سوی سرزمین‌های هدف گسیل می‌شوند تا راه را برای دسته‌های سیاسی و نظامی هموار سازند. در

تحلیل تاریخ تلاش‌های تبشیری سده‌های اخیر آمده است:

برای اولین بار، مبشران مسیحی به آموزش و تعلیم و تربیت دختران ایرانی پرداختند. دختران ایرانی از طریق همین مدارس، با درس‌هایی آشنا شدند که تا پیش از آن، هیچ اطلاعی از آنها نداشتند... مبشران توانستند از راه ایجاد مدارس و چاپ روزنامه و کتاب، در افکار عمومی جامعه تأثیر بگذارند؛ از این روی باید اذعان کرد که این نهادهای آموزشی، سبب رشد فکری جوانان، آشنایی آنان با علوم و فنون و فرهنگ جدید، تحولات جدید دینی و تفکر در وضع موجود جامعه ایرانی شدند (فیاضی - جوادی، ۱۳۹۰). عبارت «فرهنگ جدید» و نیز «تحولات جدید دینی» و «تفکر در وضع موجود جامعه» همان اهدافی هستند که مورد توجه آنان در فعالیت‌های تبشیری بوده است.

۳. فساد هنری

هنر یکی از زیرشاخه‌های فرهنگ است. فساد هنری به دو گونه ممکن است نمود یابد:

۱. عوامل آفرینش انسانی آن، یعنی هنرمندان و دست‌اندرکاران تولید هنری؛
 ۲. دیگر فرآورده‌ها و تولیدات هنری.
- فساد هنری نمودهای زیادی دارد، یکی از آنها ابتدال و ارزش ستیزی است؛ که به طور معمول و در ابتدای امر نوک پیکان به سمت آن نشانه می‌رود. گاهی ابتدال در محصولات هنری است و گاهی در منش و خوی و رفتار هنرمند؛ همچنین گاهی ابتدال در هر دو زمینه نمایان می‌شود. اما آنچه بیشتر از ابتدال باید بدان توجه کرد پیام فاسد و اغواکننده هنر است، چنان که در اغلب محصولات هنری خاص کودکان که به وسیله کمپانی‌های صهیونیستی یا به سفارش آنها در مراکز دیگر تولید می‌شوند، بعد از دقت نظر در این آثار اهدافی از پیش طراحی شده مشاهده می‌گردد، که به طور ناخودآگاه و به تدریج آثار ضد تربیتی خود را خواهد گذاشت.

برخی از این محصولات در عرصه ترییتی مطرح‌اند و برخی دیگر در عرصه‌های سیاسی و اعتقادی. چنان که کم‌ترین آثار سوء آنها ایجاد بدبینی و تنفر نسبت به اسلام و عناصر روحانی و مؤمن است و تحقق این اهداف به مراتب خطرناک‌تر از تخریب ارزش‌های یک مسلمان مانند حجاب و امثال آن است.

البته آگاهان سیاسی - فرهنگی به این مطلب اذعان دارند که سینمای هالیوود از ابتدای تأسیس خود کمر به هدم اسلام و تخریب چهره مسلمانان بسته است.^{۲۰} و چنانچه در گزارش مستند مشرق نیوز آمده است: «دکتر جک شاهین» (استاد دانشگاه ایلینویز آمریکا) در مصاحبه‌ها و کتاب‌هایش بارها بر این نکته تأکید کرده که «اسلام‌ستیزی» از همان ابتدای تولد هالیوود، در بدنه این سینما وجود داشته، تا به امروز ادامه پیدا کرده و پس از ۱۱ سپتامبر نیز به اوج خود رسیده است.^{۲۱}

واضح بودن این مدعا به قدری آشکار است که نیاز به سند و مدرک ندارد، چه آن که تولیدات آنان هم امروز در اغلب خانه‌ها مورد استفاده کودکان و نوجوانان ما قرار دارد.

پیشینه این گونه تلاش‌های ضد اسلامی در سطح نونهلان به پیش از تأسیس سینمای هالیوود در سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۲، می‌رسد و اولین فیلم عرب ستیز، در سال ۱۸۹۷ توسط «توماس ادیسون»، تحت عنوان «فاطیما می‌رقصد» بوده است. لازم به یادآوری است که عرب در جامعه غرب آمریکایی مساوی با اسلام و اسلام مساوی با عرب است و از این رو نماد اسلام و مسلمانی در این فیلم‌ها شخصیتی عرب می‌باشد.

فیلم موهن و ضد اسلامی «معصومیت مسلمانان» به کارگردانی «آلن رابرتز» (تولید ۲۰۱۱) علاوه بر توهین و به سخره گرفتن آشکار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، دین اسلام را به عنوان «سرطان» و مسلمانان را افرادی خشن، عقب‌مانده و طرفدار خونریزی نشان می‌دهد.

گذشته از صحنه‌های سخیف و توهین‌آمیز، یکی از شیطنت‌های فیلم آن است که مسلمانان را افرادی شکنجه‌گر معرفی کرده به طوری که در صحنه‌ای از فیلم یک زن سالخورده به نحو عجیبی شکنجه می‌شود.^{۲۲}

تولید و انتشار این گونه آثار هنری هرچند با واکنش مسلمانان سراسر جهان مواجه می‌شود، اما نیاز به واگویی نیست که هدف بنیان این گونه آثار هنری، موحش و مشوه جلوه دادن چهره اسلام نزد سایر ملل به منظور توجیه هجوم و حمله به مسلمانان و غارت منافع‌شان است.

لازم به ذکر است که اهداف تهاجمی غرب به اسلام در عرصه هنر منحصر به فیلم‌های سینمایی نیست و فضای بازی نونهالان را نیز اشغال نموده است. از باب نمونه در کارتون خرگوش «باگز بانی» که نماد انسانی غربی است، او حتی در بیابان به تمیزی اهمیت می‌دهد ولی در نماد اسلامی یک عرب شتر سوار، بیابان‌گردی بی تمدن، خشن و اسلحه به دست نمایش داده می‌شود که حتی در برخورد با حیوانی که به او سواری می‌دهد بسیار خشن و غیر انسانی رفتار می‌کند.^{۲۳}

برخورد با لایه‌های فساد (اصلاح موارد آلوده)

اصل اعتقاد به حکمت الهی بیان‌گر این حقیقت است، که هر موجودی درست و براساس اقتضای نظم کلی آفرینش پدید آمده است؛ بنا بر این، وقتی سخن از آسیب‌مندی فرد یا جامعه می‌رود، اصل موضوعی اول در آن، امکان بهبود یافتن است، با این وجود، نظر به عینیت رخدادها نمونه‌هایی در چند فرض قابل بررسی است:

۱. سیستم و دستگاه در اثر عارضه‌ای که به آن دچار شده، به گونه‌ای مورد آسیب و خسارت واقع شده که بخشی از آن ضایع گردیده و از دست رفته است. در این صورت امکان بازیابی جز با ترمیم به وسیله عمل جایگزین ممکن نیست. مثلی که برای این فرض می‌توان آورد، کلیه از کار افتاده در بدن انسان است.

در این فرض، آنچه آسیب‌دیده عضو اصلی است که مایهٔ فساد در ذات آن رسوخ کرده و آن را مستهلک ساخته و امکان بازیابی را از آن سلب نموده است. قرآن از این گونه فساد اخلاقی و رفتاری تعبیر به قساوت می‌کند و حکم به لاعلاج بودن (مهر بر دل‌ها) می‌کند (آیات ششم تا هجدهم سورهٔ بقره).
 شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی می‌گوید:

آهنی را که موریانه بخورد نتوان برد از آن به صیقل زنگ
 بر سیه دل چه سود خواندن و عظم نرود میخ آهنین بر سنگ

۲. فرد یا جامعه از نظر بدی وضعیت به درجه‌ای نرسیده است که فساد در عمق وجودش رخنه کرده و دستگاه اندیشه و ذهن او را ناکار ساخته باشد؛ در چنین اوضاع و احوالی امکان بازیابی وجود دارد؛ همچون بسیاری از عمل‌های جراحی روی دستگاه‌های آسیب‌دیده در بدن انسان. قرآن مجید در داستان مبعوث شدن حضرت موسی علیه السلام و اعزام به بارگاه فرعون، بنا را بر هدایت‌پذیری او می‌گذارد و می‌گوید: «شاید او یادآور شود، یا بترسد» (طه/۴۴). به طور معمول تیپ‌های عوام و روستایی و یا افراد اغوا شده توسط گروه‌های منحرف در این موقعیت قرار دارند.

۳. رنگ شدن و به صبغهٔ فاسد در آمدن است. تعبیر فرهنگ اسلامی از چنین موقعیت‌هایی «مواضع التهم» است. کسانی که در گروه‌های منحرف، فاسد و نابهنجار وارد شده‌اند و هنوز عضو اصلی تلقی نمی‌شوند (سمپات / پاراسمپات)، به آسانی می‌توانند از آن رهایی یابند و برائت حاصل کنند. به طور معمول نسل نوجوان و جوان در چنین موقعیتی (آستانهٔ فساد) هستند و اغلب در شرایط نجات بسر می‌برند.

افتادن در ورطهٔ فساد، گمراهی و انحراف همانند خراب کردن عمارتی است که زود انجام می‌شود. چه آن که بنا بر آموزهٔ معروف «الانسان مجلوب علی معصية الله» راه ضلالت و گمراهی بسان سرایشی تند است؛ هر چند که آباد

کردن و ساختن مدت‌ها طول می‌کشد.

خاتمه - بحث اخلاقی

چگونه گزینه‌ها فساد آفرین می‌شوند؟

اگر از راه طبیعی و براساس پیروی از سنت الهی نیاز غرایز تأمین شود، مفسده‌ای بر جای نمی‌گذارد، اما در صورتی که نیاز آنها از راه‌های غیر مشروع و غیر معقول و یا مصنوعی تأمین گردد، تضمینی در سلامت و درستی نتیجه رفتار وجود ندارد.

«ولع» یعنی ارزش فوق‌العاده یک امر، تصویری است که از جدایی طولانی انسان با یک نیاز طبیعی - و گاهی مصنوعی - به وجود می‌آید و نیاز به صورت چند برابر جلوه می‌کند تا آن جا که انسان، به جز آن، چیزی را ارزش نمی‌پندارد و همه چیز را در پای آن فدا می‌کند. عنوان این قسمت از طغیان غریزه را «نفس اماره» می‌گویند.

قرآن از آن چنین یاد می‌کند:

﴿وَمَا أُبْرِيْ نَفْسِيْ اِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوْءِ اِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّيْ اِنَّ رَبِّيْ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ﴾ (یوسف/۵۳).

از زبان حضرت یوسف عليه السلام می‌گوید که: من خود را بی‌عیب نمی‌گیرم، چرا که نفس اماره به بدی می‌راند، مگر آنکه خدای تعالی بر من رحم کند.

در چنین صورتی است که دنبال کردن راه‌های معقول و مشروع، به راحتی کنار نهاده می‌شود. اکنون اگر امر اجتماعی باشد، مانند ریاست‌طلبی و بزرگی‌خواهی، فساد سیاسی در پی می‌آورد و اگر متعلق آن اقتصادی باشد، فساد اقتصادی و در صورتی که ارضای غریزه جنسی باشد و از راه‌های مصنوعی دنبال شود، نتیجه‌اش فساد جنسی - اخلاقی است.

راه‌های غیرطبیعی ارضای غریزه‌ها اموری هستند که نتایج سودمند اقدامات

را در جهت‌های خاصی قرار می‌دهند و از رسیدن آن منافع به عموم جلوگیری می‌کنند، همانند پارتی بازی، توسل به رشوه و حق حساب، اعمال زور، قربت‌ها و نسبت‌ها و... (پژوهنده، ۱۳۸۲).

افراد زیبا می‌توانند با انتخاب همسر حتی قشر اجتماعی خود را عوض کنند... و از پایگاه اجتماعی خانواده عروس بهره جویند. چه پست‌ها و مقام‌هایی که به این خاطر رد و بدل نمی‌شود و حتی اداراتی که به وزارتخانه تبدیل نمی‌شوند تا داماد مقام مناسب کسب نماید. چه جنگ‌هایی که پادشاهان برای دستیابی به معشوقه خود نکرده‌اند (رفیع پور، ۱۳۷۸، ص ۱۰۰).

میل به بقا یا غریزه ماندگاری از جمله غریزه‌های اصلی است که شماری از حواس، نهادها و غرایز دیگر را کنترل می‌کند، از جمله حس امنیت یا نیاز به تأمین زیر پوشش آن قرار دارد. حس نیاز به تأمین نیز از زیرمجموعه‌هایی حمایت می‌کند چون تأمین‌های روحی و مادی که خود در سطح گسترده‌ای عمل می‌کند. با این رویکرد در می‌یابیم که فقر مادی می‌تواند زمینه بسیاری از مفاسد اجتماعی و سازمانی باشد. به همین دلیل یکی از راه‌های جلوگیری از فساد اداری که در منابع دینی فراوان بر آن تأکید شده، تأمین معیشت کارگزاران و کارکنان حکومت است. امام علی علیه السلام در منشور حکومتی خود به مالک اشتر می‌فرماید: «آن‌گاه حقوق کافی به آنان بده؛ زیرا این کار آنها را در اصلاح خویشتن تقویت می‌کند و از خیانت در اموالی که زیر دست آنهاست، بی‌نیاز می‌سازد و حجتی بر آنهاست، اگر از دستوره‌های تو سرپیچی یا در امانت تو خیانت کنند» (امام علی، ۱۳۹۵ق، ص ۴۳۵).

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه مورد بحث واقع شد به این نتیجه می‌رسیم، که با وجود آن که می‌دانیم تنها راه‌هایی از محمضه تحریم در حال حاضر، اقتصاد مقاومتی است،

اما موانعی بر سر راه است که از اهم آنها فساد - در ابعاد مختلف - است. مفساد اقتصادی، اداری، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، هنری و معرفتی مانند اختاپوسی از هر طرف اقتصاد مقاومتی را تهدید می‌کنند. راهبرد نهایی از نظر نویسنده، مبارزه بی‌امان و بدون ملاحظه و جانب‌نگری خواص و نورچشمی‌ها، با فساد در هر شکل آن است؛ چنان که بدون آن راه نیل به هدف مسدود می‌باشد.

گستره بحث در این نوشته بسیار زیاد است و هر یک از عناوین فساد درخوری بحث علی‌حده دارند؛ در عین حال تلاش شده است با نظر به دیدگاه «الاهم فالهم» نگاهی موشکافانه به جوانب مسائل انداخته شود و در هر بخشی با ارائه راهبرد مناسب چاره کار نیز نشان داده شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Resistive economy

۲. اینترنت، ویکی‌پدیا فارسی، ذیل کلمه اقتصاد مقاومتی:

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%AF_%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%88%D9%85%D8%AA%DB%8C#cite_note-bank-4

۳. رک: اینترنت، ویکی‌پدیا فارسی، همان.

۴. برای توضیحات بیشتر ر.ک. راغفر، حسین (۱۳۹۲)،

<http://www.resna.ir/fa/newsagency/45609?p1518=1>

۵. ۱۳۹۳/۱۱/۲۹ ایراد شده در جمع مردم آذربایجان شرقی.

۶. Edward Bunt Tylor وی در سال ۱۸۷۱م، با انتشار کتاب Primitive Culture مفهوم فرهنگ را از تعریف کلاسیک خارج ساخت و بدین‌سان تعریف کرد؛ این تعریف هنوز در مجامع علمی و فرهنگی موضوعیت دارد.

۷. الفساد؛ نقیض الصلاح: ابن منظور، لسان‌العرب، ج ۳، ص ۳۳۵؛ المفسدة: خلاف المصلحة؛ مجمع‌البحرین، فخرالدین طریحی، ج ۳، ص ۱۲۱ (نرم‌افزار جامع‌الاحادیث، نور ۲).

8. Curruption

۹. یکی از اندیشمندان این روش را از این جهت بسیار خطرناک توصیف می‌کند که در شأن صدور احادیث، هر کس به مذاق حال خودش می‌تواند نمونه‌ای را پیدا می‌کند و در این صورت با الگوهای بسیار متناقض رو به رو می‌شویم؛ از این گذشته، روش نسخه‌برداری یک نوع قشری‌گری را دامن می‌زند؛ مثلاً راجع به تراشیدن ریش، وقتی حکم آن را

می‌خواهند، تاریخ را ورق می‌زنند با نمونه‌ای برخورد می‌کنند که می‌گوید: «حلق اللحیة کاملته» و بنابراین می‌گویند نباید ریش را تراشید. همچنین برای حد ریش و نیز راجع به تصویر و مجسمه، یا برای موسیقی، مثلاً موردی پیدا می‌شد که پیامبر ﷺ یا صحابه از جایی رد می‌شدند که عده‌ای مشغول نوازندگی بودند، پیامبر ﷺ یا صحابه آنها را سرزنش کردند، لذا نتیجه می‌گیرند که حکم موسیقی چنین و چنان است. ر.ک. لاریجانی، محمد جواد (۱۳۸۰)، «مدیریت سیاسی علوی»، نشریه پژوهشی اندیشه حوزه، سال هفتم، شماره ۳۲-۳۳ (با تنقیح).

۱۰. ر.ک. کتابخانه اینترنتی سایت تبیان، (تاریخ مراجعه ۱۳۹۴/۲/۹):

<http://library.tebyan.net/newindex.aspx?pid=102834&ParentID=46558&BookID=1060&MetaDataID=399&Volume=1&PageIndex=88&PersonalID=0&NavigateMode=CommonLibrary&Content=>

۱۱. Terminology به فرایندی اطلاق می‌گردد که به مطالعه اصطلاح Term می‌پردازد.

۱۲. هایدن هایمر (A. J. Heidenheimer) براساس تفاوت دیدگاه مردم و نخبگان سیاسی نسبت به فساد، سه نوع فساد را از هم متمایز ساخته است:

فساد سیاه: کاری است که از نظر توده‌ها و نخبگان منفور است (مانند زیرمیزی گرفتن کارشناسان مالیاتی، اطباء، مهندسين ناظر و...)

فساد خاکستری: کاری که اکثر نخبگان منفور می‌دانند اما مردم نسبت به آن بی تفاوت هستند؛ مانند کوتاهی کارمندان در اجرای قوانینی که مردم دوست ندارند و نخبگان مفید می‌دانند (نظیر کوتاهی در اجرای مراحل هدف‌مندی یارانه‌ها که موجب رشد گرانی و بالا رفتن نرخ تورم می‌شود) و:

فساد سفید: کاری که ظاهراً خلاف قانون است ولی نخبگان و مردم مهم و مضر نمی‌دانند. (نظیر سوار شدن بیش از ظرفیت مجاز در ناوگان حمل و نقل شهری)؛ (حبیبی، ن، فساد آداری، تهران، انتشارات وثقی، ۱۳۷۵، ص ۱۵).

۱۳. «مقاصد الشریعه مقاصد و غایاتی است که شارع برای تحقق آنها احکام را وضع کرده است و علم مقاصد الشریعه توجه و کشف و دانستن این اهداف است».

این اهداف و اغراض گاهی در قالب نصوص شرعی منعکس شده است و علماء هم با استفاده از راه کارهایی مثل استظهار و استقراء نصوص شرعی و عقل، در پی کشف و شناخت این مقاصد هستند و تقریباً از مراحل اولیه شکل‌گیری بحث مقاصد به این مطلب رسیده‌اند که اسلام به پنج یا شش چیز خیلی اهمیت داده و آنها را جزء اهداف و غایات احکام شریعت دانسته است: حفظ نفس و حفظ دین و حفظ عقل و حفظ نسل و حفظ مال و حفظ آبرو. این‌ها را از اهداف و مقاصد ضروری دانستند در کنار مقاصد حاجی و تحسینی که رتبه‌های کم اهمیت‌تر مقاصد هستند. ر. ک: میهن دوست، محمد هادی (۱۳۹۴)، «جایگاه اهداف و «مقاصد شریعت» در فقه اسلامی»، (پایان‌نامه سطح سه)، سایت شبکه الاجتهاد؛

<http://ijtihad.ir/NewsDetails.aspx?itemid=3773>

۱۴. به نقل از: ابن قیم الجوزی، *الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة*، ص ۲۴۸.
 ۱۵. بر این اساس فقهای عظام نیز رشوه را ولو در قالب توجیه شده‌ای باشد از مصادیق «سحت» و «اکل مال بباطل» دانسته‌اند. سایت الف مبادرت به استفتاء فوق، از مراجع عظام نموده است. ر. ک:

<http://www.alef.ir/vdcdfo0xsyt0ss6.2a2y.html?234313>

۱۶. قمی، حاج شیخ عباس (بی‌تا)، *سفینه البحار*، ماده کلمه غرق.

۱۷. سایت ریاست جمهوری اسلامی ایران: <http://www.president.ir/fa/82879> (۱۷ آذر ۱۳۹۳).

۱۸. به نقل از منبع:

Jens Chr. Andvig and Odd-Helge F jeldstad (2000), "Research on Corruption. A Policy Oriented Survey", Commissioned by NORAD., p. 15-18.

۱۹. ر. ک: مجموعه قوانین سال ۱۳۶۸، ص ۷۸۳، (پاورقی) در ۹ بهمن ۱۳۶۸ ماده واحده قانون شمول اجرای قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ در مورد ثروت‌های ناشی از احتکار و گران‌فروشی و قاچاق تصویب گردید و تصریح شد دادگاه‌های مربوط به اجرای اصل ۴۹ موظفند ثروت‌های محتکرین، گران‌فروشان و قاچاقچیان را مورد بررسی دقیق قرار داده و نسبت به ضبط و ثبت و اخذ آن قسمت که در اثر احتکار و گران‌فروشی و قاچاق کسب گردیده به عنوان مجازات به نفع دولت اقدام نمایند. با این ترتیب موارد نامشروع اصل ۴۹ گسترش یافته و مصادیق دیگری به آن اضافه شده است.

۲۰. سایت مشرق نیوز در گزارش مستندی خاطرنشان ساخت که:

امروز مهم‌تر از سیطره سیاست‌مداران آمریکایی بر هالیوود، سلطه صهیونیسم بر این صنعت سینمایی است که خود آمریکایی‌ها بارها بدان اذعان داشته‌اند، جالب آنکه ۱۲ نفر اول لیست یک‌صد فرد مؤثر بر سینمای آمریکا، همگی یهودی‌اند، این درحالی است که آنها تنها ۴ درصد از کل جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند.

همچنین «لویس بی‌مایر»، یکی از پیشگامان یهودی هالیوود در کتاب «امپراتوری از میان خودشان؛ چگونه یهودیان هالیوود را ابداع نمودند.» به این مسأله اعتراف کرده و «هلن توماس» روزنامه‌نگار مشهور آمریکایی در مصاحبه با روزنامه دیترویت فری پرس آمریکا می‌گوید: صهیونیست‌ها گردانندگان اصلی کنگره آمریکا، کاخ سفید، هالیوود و وال استریت هستند و هیچ شکی در این نیست. امروز متأسفانه، من به عنوان یک آمریکایی می‌توانم از رئیس جمهور کشورم انتقاد کنم ولی به آسانی نمی‌توانم یک اسرائیلی را مورد انتقاد قرار دهم.

۲۱. با عنوان: «هالیوودی‌ها درباره اسلام چه می‌گویند»

<http://www.mashreghnews.ir/fa/news/>

<http://20ist.com/archives/13317>

۲۲. به نقل از سایت:

<http://www.mashreghnews.ir/fa/news>

۲۳. همان؛

منابع و مآخذ

• قرآن مجید.

- **نهج البلاغه (۱۳۹۵ق)**، بتصحیح صبحی صالح، افست ایران، قم، انتشارات دار الهجره.
۱. آذر، ادوارد و مون، چونگ این (۱۳۷۹)، «امنیت ملی در جهان سوم»، تهران، پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
 ۲. ابن ابی جمهور احسائی (۱۴۰۵ق)، **عوالی اللالی**، چهار جلدی، قم، انتشارات سیدالشهداء (ع).
 ۳. ابن شعبه، حسن بن علی الحرانی (۱۳۶۳)، **تحف العقول عن آل الرسول**، ترجمه احمد جنتی عطائی، (دو جلدی)، تهران، علمیه اسلامیه.
 ۴. پژوهنده، محمد حسین (۱۳۷۴)، «مفهوم فرهنگ از دیدگاه متفکران»، نشریه اندیشه حوزه، س ۱، ش ۲.
 ۵. پژوهنده، محمد حسین (۱۳۸۲)، «موانع درونی خدمت رسانی»، نشریه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ش ۴۳.
 ۶. جمعی از نویسندگان (۱۳۷۱)، **تفسیر نمونه**، زیر نظر آیت‌الله مکارم شیرازی، (دوره ۲۷ جلدی)، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
 ۷. حبیبی، نادر (۱۳۷۵)، **فساد اداری**، تهران، انتشارات وثقی.
 ۸. الحرانی، ابومحمد، حسن بن علی بن حسین بن شعبه حلبی (۱۴۰۴ ق)، **تحف العقول عن آل الرسول**، یک جلدی، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
 ۹. حسنی، علی و شمس، عبدالحمید (۱۳۹۱)، «راه‌کارهای مبارزه با فساد اداری براساس ارزش‌های اسلامی»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ش ۵.
 ۱۰. خاکپور، برات علی و پیری، عیسی (۱۳۸۴)، «آسیب‌شناسی اجتماعی شهر و نقش سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی شهروندان در کاهش آن»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، س ۲، ش ۲.
 ۱۱. خامنه‌ای، سید علی (رهبر انقلاب اسلامی):
- <http://leader.ir/> و <http://farsi.khamenei.ir/>
۱۲. دادگر، یدالله و نظری، روح‌الله (۱۳۸۸)، «بررسی شاخص فساد مالی در ایران و کشورهای برگزیده جهان»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۶۳.
 ۱۳. راغفر، حسین (۱۳۹۲)،
 ۱۴. رسولی، هاشم (دانشجوی دوره کارشناسی ارشد مهندسی و مدیریت ساخت - دانشگاه علم و صنعت) (بی‌تا)، «راه‌کارهای اسلام برای سلامت نظام اداری و رشد ارزش‌های اخلاقی در آن»، وزارت راه و شهرسازی، دفتر مدیریت عملکرد.
 ۱۵. رضایی، بیژن (بی‌تا)، «راه‌کارهای مقابله با فساد اداری»، نشر وزارت راه و شهرسازی - دفتر مدیریت عملکرد.

۱۶. رضایی، محمد رضا (۱۳۹۳)، «علل و عوامل فساد اداری»، (کارشناس بازرسی دفتر مدیریت عملکرد وزارت راه و شهرسازی و لیسانس حقوق) منبع: سایت وزارت راه و شهرسازی، تاریخ برداشت: ۱۳۹۳/۱۱/۲۰.
۱۷. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸)، *آناتومی جامعه*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۸. روشه، گگی (۱۳۶۷)، *کنش اجتماعی*، ترجمه هما زنجانی زاده، چاپ دانشگاه مشهد.
۱۹. سایت ریاست جمهوری اسلامی ایران (۱۷ آذر ۱۳۹۳):
<http://www.president.ir/fa/82879>
۲۰. سیف‌الله، مراد (۱۳۸۸)، «تبارشناسی تهدیدهای نرم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات بسیج، س ۱۲، ش ۴۴، ۶۱.
۲۱. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۱۳ق)، *فقیه من لا یحضره الفقیه*، (چهار جلدی)، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۲۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵)، *تهذیب الاحکام*، تهران، دار الکتب الاسلامیه (ده جلدی).
۲۳. ضمیری، عبدالحسین و نصیری، حامد رضا (۱۳۸۹)، «حکمرانی مطلوب و نقش شفافیت در تحقق آن»، پژوهشنامه فساد اداری؛ زمینه‌ها و راهبردها، آدرس اینترنت:
http://www.csr.ir/Pdf/Issues444/whole.fesad.9%20_black_.1.pdf
۲۴. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمد باقر موسوی (دوره ۲۰ جلدی)، قم، نشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۵. عضدانلو، حمید (۱۳۷۳)، «چیستان تهاجم فرهنگی»، نشریه جامعه سالم، ش ۱۶.
۲۶. عزیزاده ثانی، محسن و فانی، علی اصغر (۱۳۸۶)، «تأثیر فساد اداری بر توسعه انسانی جوامع»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، س ۲، ش ۱ و ۲.
<http://www.iranethics.ir/files/site1/pages/03.pdf>
۲۷. غلامی، مجید (بی تا)، *عارضه فساد مالی*، نشر وزارت راه و شهرسازی، دفتر مدیریت عملکرد.
۲۸. فرخ سرشت، بهزاد (۱۳۸۳)، «بررسی عوامل مؤثر در بروز فساد اداری به منظور ارائه الگویی جهت کاهش اثرات آن در روند توسعه جمهوری اسلامی ایران»، دانش مدیریت، ش ۶۶.
- <http://www.ensani.ir/fa/content/19082/default.aspx>
۲۹. فیاضی، عمادالدین و جوادی، هادی (۱۳۹۰)، «تاریخچه‌ای از فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی مبشران آمریکایی در ایران دوره قاجار»، پیام بهارستان، ۲، س ۳، ش ۱۱.
۳۰. دبیرخانه شورای بازنگری قانون اساسی (۱۳۶۸)، «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، چاپخانه مجلس شورای اسلامی، تهران.
۳۱. القرشی، باقر شریف (بی تا)، *نظام حکومتی و اداری در اسلام*، ترجمه عباسعلی سلطانی، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۳۲. قمی، حاج شیخ عباس (بی تا)، *سفینه البحار*، بی جا، ماده کلمه غرق.

۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی* (۸ جلدی)، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۳۴. لاریجانی، محمد جواد (۱۳۸۰)، «مدیریت سیاسی علوی»، نشریه پژوهشی اندیشه حوزه، ش ۷، ص ۳۳-۳۲
۳۵. ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۹۰)، «بسترهای فرهنگی و اجتماعی در جنگ نرم»، فصلنامه مطالعات بسیج، س ۱۴، ش ۵۰، ۱۳؛ برگرفته از: ابراهیمی - محمدی، ۱۳۹۱.
۳۶. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق) *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۷. مدنی، سید جلال الدین (۱۳۷۴)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر مؤلف، چاپ سوم.
۳۸. مرادی، یاسر (۱۳۹۳)، سایت دانشنامه رشد:
<http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara-index>
۳۹. مور، استفن (۱۳۸۱)، *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ دوم، ۲۷۳، نظریه کوهن.
۴۰. میری پور قرد، فریا (بی‌تا)، «فساد اداری و اقتصادی در ایران»، مؤسسه اندیشه و پژوهش طرح هزاره (اندیشگاه طرح هزاره).
۴۱. میهن دوست، محمد هادی (۱۳۹۴)، «جایگاه اهداف و مقاصد شریعت در فقه اسلامی»، (پایان نامه سطح سه)، سایت شبکه الاجتهاد
<http://ijtihad.ir/NewsDetails.aspx?itemid=3773>
۴۲. نیکبخت، محمد صالح - حقوق دان (۱۳۹۳)، سایت تحلیلی ایرانی.
<http://iranalyze.ir/fa/?p=3202>
1. Craig, William L., *Reasonable Faith: Christian Truth and Apologetics*, Illinois: 2008, 2th part. (۱۳۹۲).
 2. [http://dma.mrud.ir/Portal/File/ShowFile.aspx?ID=a ec242a1-1ea3-4e36-98e0-fa32e2a2e3ae](http://dma.mrud.ir/Portal/File/ShowFile.aspx?ID=a%20ec242a1-1ea3-4e36-98e0-fa32e2a2e3ae)
 3. http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%AF_%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%88%D9%85%D8%AA%D8%B%8C#cite_note-bank-4.
 4. http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%AF_%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%88%D9%85%D8%AA%D8%B%8C#cite_note-bank-4.
 5. [http://www.iranvision1404.com/lib/cms/webDirectory.php?group_page = 1003&op=view&id=742&pIdx=0](http://www.iranvision1404.com/lib/cms/webDirectory.php?group_page=1003&op=view&id=742&pIdx=0)
 6. Jens Chr. Andvig and Odd-Helge F jeldstad (2000), "Research on Corruption. A Policy Oriented Survey", Commissioned by NORAD., p. 15-18.
 7. Jens Chr. Andvig and Odd-Helge F jeldstad (2000), "Research on Corruption. A Policy Oriented Survey", Commissioned by NORAD., p. 15-18.
 8. http://www.csr.ir/Pdf/Issues444/whole.fesad.9%20_black_.1.